

شماره

وارد شبکه
اینترنت شد!

دراهنوسازی و وحدت جنبش کمونستی

بولتن مباحثات و اتحاد طیف اقلیت فدایی

شماره ۳ خرداد ۱۳۷۵

کانال ارتباطی جدید برای تماس با کمیته هماهنگی!



رفقا، دوستان و خوانندگان عزیز!

ازین پس به پیش، بحثها، اخبار مربوط به جنبش کمونستی در داخل و خارج کشور را می‌توانید از طریق شبکه اینترنت Internet که در تمام جهان (از جمله ایران) قابل دسترسی است مطالعه کنید. در موارد لزوم اطلاعیه‌ها و پیام‌ها نیز از طریق این شبکه در داخل و خارج کشور توزیع خواهند شد.

به مطالب مندرج در صفحات ۸، ۲۱، ۲۲، ۲۹ و ۳۲ رجوع کنید!

در این شماره:

- پیرامون سبک‌کار و مسایل اساسنامه‌ای - بخش سوم
- بررسی مسایل جنبش کمونستی - قسمت سوم
- طرح پیشنهادی برای نشست آتی
- کمک‌های مالی رسیده
- خلاصه‌ای از نشست بخشی از نیروهای نوسازی و...

- ضرورت وجودی مرکز آژانس خبری بین‌المللی
- قطعنامه‌های پیشنهادی
- سازماندهی برای اشاعه آیدنولوژی سوسیالیستی - بخش دوم
- پیرامون مضمون وظایف آتی
- پیرامون سه شعار...
- گزارشی از آکسیون اعتراضی...

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر ایران

بررسی مسایل جنبش کمونیستی

سلسله مقالاتی که تحت عنوان «بررسی مسایل جنبش کمونیستی» در این بولتن منتشر می‌شود، بخشاً برداشت خلاصه شده از کتابی است در دست انتشار شامل بحثی حول مئدولوژی ما برای شناخت، بررسی علل بحران منجر به ازهم‌پاشی شوروی و رابطه آن با بحران عمومی جنبش کمونیستی، بررسی تأثیر روند این انحرافات بر احزاب و سازمانهای کمونیستی در کشورهای معروف، به تحت‌سلطه، بررسی این بحران در «جنبش کمونیستی ایران»، «جنبش نوین کمونیستی» چپ جدید و بحران پوپولیسم رفرمیستی و رادیکالیسم پوپولیستی، دهه ۱۳۵۰ و بحران چپ و بررسی انتقادی مسایل جنبش کمونیستی می‌باشد.

همانطور که از برخی از مطالب آن برمی‌آید، این نوشته سالها قبل تدوین شده و گوی آن به تعداد محدودی بخش شده است. اما به دلیل مشکلات متعدد و وظایفی که روند سمینارها و اتحاد چپ‌کارگری در اولویت قرار می‌داد، هنوز فرصت ویرایش و انتشار آن دست نداده است. امیدوارم با دریافت نظرات انتقادی و اصلاحی رفقا، هرچه زودتر نسبت به چاپ و انتشار آن اقدام کنیم.

یدی

قسمت سوم

۱- تأثیر روند این انحرافات و بحرانها در سطح بین‌المللی بر احزاب و سازمانهای مارکسیستی و احزاب کارگری، بویژه در کشورهای معروف به تحت‌سلطه

تردیدی نیست که اگر منشاء و خصوصیات و ریشه‌های تاریخی طبقاتی بحرانهای عارض بر احزاب کمونیست را بویژه در کشورهای تحت سلطه مورد بررسی قرار دهیم، بروشنی خواهیم دید که انحرافات و بحرانهای این احزاب هم - علی‌رغم خصوصیات ملی‌شان - در فضایی خارج از انحرافات و مسایل و مشکلات عمومی جنبش بین‌المللی کمونیستی، بویژه روند رشد بورژوازی در اتحاد شوروی و انحطاط حزب کمونیست این کشور، بوجود نیامده است. بویژه انعکاسات این بحرانها و تأثیرات ایدئولوژیک و سیاسی آن بر کل جنبش کمونیستی خود مانع بزرگ شکوفایی جنبش و عامل سخت‌جانی انحرافات و بحرانها - و لاجرم بازتولید آن در احزاب مجزا - بوده است. البته یافتن نقطه عطفی که این انحرافات و بحرانها، در هر کدام از این احزاب و در مراحل مختلف تکاملشان در شرایط متفاوت ساختار اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جوامع‌شان، منجر به تحولات کیفی شده، مشکل است. اما بحران عمومی اوایل نیمه دوم قرن حاضر که منجر به تشدید اپورتونیسم و انشعاب در جنبش کمونیستی گردید، می‌تواند بمثابة نقطه عطفی که بطور کلی بحران را از یک خصلت جهانی

برخوردار نمود، مشخص کند. من پیش‌تر زمینه‌های عینی و ذهنی این چرخش را - هم در حزب کمونیست شوروی و هم در احزاب وابسته به کمینترن - توضیح دادم.

در روند این تحلیل تأکید بیشتر به نقطه عطف بودن این مقطع است. در این دوره است که می‌بینیم بموازات تحکیم موقعیت اقتصادی و ایدئولوژیک سیاسی بوروکراسی در دستگاه حزب و دولت اتحاد شوروی، تلاش می‌شود تا خط مشی این بوروکراسی بر جنبش کمونیستی و احزاب و سازمانهای کارگری در سایر نقاط جهان تعمیم داده شود، و یا عبارت دیگر تحمیل شود. در کشورهایی که طی تحولات جنگ و شکست فاشیسم از زیر سلطه سرمایه آزاد شده بودند - یعنی هم احزابی که قدرت سیاسی را در دست داشتند و جزء اردوگاه کشورهای سوسیالیستی محسوب می‌شدند و هم احزابی که در قدرت نبودند - مصوبات کنگره های ۲۰ و ۲۲ (علی‌رغم اینکه رفرمیست های وطنی خوششان بیاید یا نه)، فی الواقع چارچوب کلی و استخوانبندی اصلی برنامه ای بود که برحسب تحکیم موفقیت اقتصادی و سیاسی بورژوازی در شوروی توسط حزب کمونیست به سایر احزاب و دولتها دیکته شد. بحران و انشعابات متعاقب آن در واقع انعکاس تضاد شرایط مشخص این جوامع با برنامه و خط و مشی حزب کمونیست شوروی و منافع بوروکراسی حاکم و احزاب طرفدار وی از یکسو و

تلاش بر آن بود تا از طریق گسترش دموکراسی و به صحنه آوردن مردم، نظیر انقلاب فرهنگی، به رشد پدیده های منفی در ساختمان سوسیالیسم، مثل بوروکراسی و آثار و تبعات آن، مهار زند و تداوم انقلاب و حضور مداوم مردم در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را تضمین کند. معهداً بدلائیل ساختاری و ناتوانی در مرزبندی با ارکان جهان بینی حاکم بر حزب کمونیست شوروی و ریشه های تاریخی و طبقاتی روزیونیسمی که در آنجا پا گرفته بود، بیشتر به دگماتیسم در غلطی دند و دگماتیسم اینها هم نه در تأکید مثلاً بر مارکس، انگلس و لنین که بیشتر تعمیم مکانیکی شرایط مبارزه خود بر جوامع دیگر بود. بدون توجه باینکه جوامعی که برای احزاب کمونیست طرفدار خود در آنجا نسخه می پیچند، دارای کدام شرایط اقتصادی-اجتماعی و سیاسی و نیز تکامل مبارزه طبقاتی را پشت سر گذاشته است؟ کجا با شرایط چین یا دوره ده ساله اول و دوم ساختمان سوسیالیسم در شوروی انطباق دارد؟ و کجا ندارد؟

این دیدگاه و نحوه مرزبندی با انحرافات شوروی و پروسه رشد سرمایه داری در این کشور که در خیلی از موارد بدرستی توسط مائو تسه دون افشا شد، در انشعابات بعدی نیز تأثیر خود را برجای گذاشت و آنرا از خصلتی کاملاً مکانیکی بر خوردار کرد. این خصلت مکانیکی انشعاب و پراگماتیسم متعاقب آن، راه بعدی عروج آنرا که می بایت با بررسی مجدد و انتقادی راه رفته شده پیموده می شد، سد نمود؛ مبارزه ایدئولوژیکی اولیه از تکامل بازماند. ساختارهای ایدئولوژیکی - با تمام نقاط مثبت و منفی خود - به سپردفاعی بدل شدند، بدون اینکه هم خوانیها و ناهمخوانیها، اختلافات و انطباقها از همدیگر تفکیک شوند. در يك كلام، حرکت اولیه برای ریشه یابی روند این تحولات در مدت کوتاهی روند دیالکتیکی خود را از دست داد و شکل کاملاً مکانیکی بن خود گرفت. بدین ترتیب انحرافات در قلمبین این دو تضاد (البته اگر بتوان نام تضاد بر آن نهاد) مورد دفاع قرار گرفتند، حاله ای مقدس دور این ساختارهای ایدئولوژیکی و تشکیلاتی کشیده شد. همینطور این حالت و خصوصیت را ما در انشعابات بعدی طرفداران این دو قطب هم مشاهده می کنیم.

انعکاس تحولات سریع این جوامع و شرایط مبارزه طبقاتی در درون احزاب و سازمانها از سوی دیگر بود که در تبعیت از حزب کمونیست شوروی عملاً با تحولات اجتماعی جوامع و روند مبارزه طبقاتی بر اساس این تحولات و تقویت مداوم موقعیت اجتماعی طبقه کارگر... در تضاد قرار داشت. حزب کمونیست شوروی تقریباً برای همه احزاب، چه آنهاییکه در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و یا در کشورهای تحت سلطه و مستعمر، و نیمه مستعمر مبارزه می کردند، و چه آنهاییکه قدرت سیاسی را در دست داشتند، بدون توجه به شرایط عینی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر حسب سیاست های مقطعی خود نسخه های از پیشی داشتند. منتهای مراتب این احزاب نسبت به شرایط عینی جوامع خود و اشکال و سطح مبارزه و درجه وابستگی به حزب کمونیست شوروی و زمینه های قبلی انحطاط، پذیرای این نسخه ها می شدند. احزابی نظیر حزب کمونیست امریکا را می توان مثال آورد که حقیقتاً خود مانع بزرگ آگاهی تشکل و مبارزه طبقه کارگر امریکا در این دوره طولانی بوده است. دهها حزب و سازمان دیگر نظیر حزب کمونیست انگلستان، ایتالیا، دانمارک و اتریش خیلی سریع تزه های مربوط به رد انقلاب سوسیالیستی، دیکتاتوری پرولتاریا، هژمونی پرولتری و ارزیابی اغراق آمیز غیر واقعی حزب کمونیست شوروی از توازن قوای جهانی و ساختمان سوسیالیسم را مورد پذیرش قرار دادند، به همین ترتیب راه رشد غیر سرمایه داری، گذار مسالمت آمیز که اساساً روند تکاملی جوامع تحت سلطه و رشد سرمایه داری در این کشورها در تضاد بود، مورد تأیید احزاب و لاجرم جوهر برنامه و خط و مشی آنها در این تیب از کشورها شد. می توان مدعی شد که بعد از این تحولات، احزاب روزیونیست و خرده بورژوازی کلاً، هم در جوامع سرمایه داری پیشرفته و هم در جوامع تحت سلطه، تقویت شدند.

در عین حال احزاب و سازمانهایی بودند که نسبت به این تحول کیفی عکس العمل نشان دادند؛ نظیر حزب کمونیست چین. در کشورهایی که در آن مبارزه طبقاتی بشکل حادی در جریان بود و هنوز دوره ابتدایی گذار را تجربه می کردند، تلاش می شد تا تجربه شوروی تکرار نگردد. اگر چه این

نقش طبقه و توده‌ها گردید - که با روح سوسیالیستی پیشرفت بسمت کمونیسم و زوال دولت هم در تضاد بود - متقابلاً در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و جوامع تحت سلطه نیز تأثیرات خود را بر جای نهاد.

در جوامع سرمایه‌داری استقلال طبقاتی کارگران نفی شد. طبقه کارگر بسمت رفرمیسم بورژوازی رانده شد؛ تناقضات ناشی از تقلیل برنامه کمونیستی در این جوامع پیشرفته سرمایه‌داری به سطح درخواستهای بورژوازی کلاً کمونیسم را در برابر سوسیال‌دموکراسی و لیبرالیسم بورژوازی خلع سلاح و دورنمای آنرا برای طبقه کارگر و توده‌های مردم مبهم و بی چشم‌انداز نمود. بموازات تبلیغات بورژوازی، از کمونیسم تصویرهای غلطی در اذهان بوجود آمد. بر این زمینه‌ها احزاب کمونیست به احزابی رفرمیست و سائریست تبدیل شدند که حرکت خود را عمدتاً با چشم‌انداز بورژوازی تنظیم نمودند. این احزاب بعد از تحولات اخیر - بجز در مواردی - آشکارا از مارکسیسم بریدند و رسماً لیبرالیسم و ناسیونالیسم را پیشه خود ساختند. اما در حوزه انقلاب در کشورهای تحت سلطه، آثار و تبعات این مسأله را از همان مقطعی که ذکر کردم، بشکل تقویت و تحکیم یک دوره طولانی اپورتونیسم و رفرمیسم و پوپولیسم می‌توان مشاهده کرد. (پیرامون بحث مشخصی در مورد جامعه خودمان در این زمینه توضیح بیشتری خواهم داشت.) در این جوامع اگر چه رشد سریع خرده‌بورژوازی و لاینحل ماندن مسأله دهقانی و ضعف‌ذهنی زمینه رشد این سوسیالیسم خرده‌بورژوازی و رفرمیسم بود، معهداً از لحاظ روند عمده‌ای که بعد از جنگ آغاز شده بود، بویژه تأکید می‌کنم بعد از دهه ۷۰، این تئوریهای التقاطی - که حتی از پاسخ به نیازهای خرده‌بورژوازی عاجز بود و با شرایط عینی پروسه تکامل آنها و نقش و اهمیت طبقه کارگر و جنبش مستقل وی - علی‌رغم ضعف عینی و ذهنی - در تضاد ماهوی قرار داشت. به این مسأله بویژه تأکید می‌کنم چونکه بنظر من این تضاد، یعنی تضاد بین پروسه رشد سرمایه‌داری در کشورهای نظیر ایران که متقابلاً به تحکیم موقعیت اجتماعی طبقه کارگر و بازآفرینی نقش سیاسی آن می‌انجامید، با تزه‌های مسکو و تئوری‌های آکادمی علوم شوروی که تا مغز

بنابراین جریان مبارزه ایدئولوژیک در سطح جهانی که می‌توانست به شناخت جدیدی از تحولات اجتماعی در سطح جهان و در خود جوامعی که این احزاب قدرت سیاسی را در دست داشتند، برسد، به قطب‌بندی‌های مکانیکی و درگیری و زور آزمایی بین آنها تقلیل می‌یابد. خارج از اینکه پشت سر این پروسه‌ها که به درگیریهای نظامی و مرزی هم گسترش یافت، کدام انگیزه‌های طبقاتی نهفته بود، اما بهر حال شکاف و سردرگمی را بسطح بین‌المللی تعمیم داد. آنها با تغذیه ایدئولوژیک، سیاسی مخالفین همدیگر و تشویق انشعابات مکانیکی و دنباله‌روانه در سطح بین‌المللی، نه تنها به ابهامات و سردرگمی‌ها دامن زدند، که در خیلی از موارد پروسه‌های طبیعی تغییر و تحولات و تکامل جنبش کمونیستی را در اجزای منفرد آن نیز مانع شدند. اینها در شرایطی بود که کمونیست‌ها در موقعیت جدیدی که رشد سرمایه‌داری تکامل ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جوامع را بوجود آورده بود، قرار داشتند. در کشورهای تحت سلطه و مستعمرات سابق نیز، بموازات تحکیم مناسبات سرمایه‌داری، جنبش کارگری از وزنه سنگینی نسبت به سابق برخوردار شده بود. شرایط اقتصادی - اجتماعی - سیاسی این کشورها نسبت به اوایل قرن دگرگونی‌های مهمی را از سر گذرانده بودند. همه اینها مسأله تدوین برنامه و استراتژی و تاکتیک‌های جنبش کمونیستی و کارگری را در دستور قرار داده بود. دیگر شرایط اساساً با دوران انقلاب اکتبر و انقلابات نیمه اول قرن فرق داشت. منتهای مراتب این فرق بنفع نضج جنبش کارگری و در اثبات مارکسیسم بود، نه نفی آن. این شرایط عینی در حال رشد، یعنی تکامل جوامع از حالت فئودالی و نیمه مستعمره و مستعمره به جوامع سرمایه‌داری، با خط سیاسی و نسخه‌های از پیش آماده شده شوروی و چین در کلیت خودش انطباق نداشت. هرچند که در ارائه و ترویج و تحمیل یک مشی رفرمیستی و عموم خلتی دوروی یک سکه را تشکیل می‌دادند. به هر حال اگر این عوامل عینی و ذهنی بطور مثال در شوروی منجر به انحرافات در ساختمان سوسیالیسم، نفی دوره‌گذار و ملزومات ناظر بر آن، عقب‌ماندگی اقتصادی - فرهنگی، رشد بوروکراسی و فساد و نفی دموکراسی سوسیالیستی و

سوسیالیسم و کمونیسم در میان طبقه کارگر بود؛ محصول نوع خاصی از آموزشهای روزیونیستی بود که در این دوره تقریباً در کلیه کشورهای تحت سلطه، طبقه کارگر را از سلاح ایدئولوژیک و حزب طبقاتی خود در مبارزه با سرمایه داری محروم کرده بود. این آموزشهای ناشی از جهان بینی ماتریالیسم مکانیکی که بظاهر پشت پرچم مارکسیسم و لنینیسم هم سنگر گرفته بود، فاصله عظیمی را بین کمونیسم و سوسیالیسم واقعی در یکسو و طبقه کارگر در سوی دیگر ایجاد کرد، و گرنه طبقه کارگر از صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه کنار نرفته بود، به یکباره غیبش نزده بود؛ وجود داشت. همانطور که در امریکا این طبقه کارگر - اما با آن کیفیت - وجود دارد. معهدا حائل بین طبقه و مارکسیسم، یک اپورتونیسیم، یک التقاط نظری چیزی بنام مارکسیسم و حزب قرار گرفته بود که مارکسیستی نبود و بخاطر همین هم می گویم این جنبش ها از جمله در شرایط فقدان جنبش متشکل کارگری و یا جنبش های محسوس کارگری و یا در شرایطیک گسست شکل گرفتند و به همین دلیل هم من پدید آمدن این احزاب و سازمانهای بالنسبه مستقل از ترندهای اصلی را یکی دیگر از وجوه مشخصه بحران جنبش در اواسط نیمه اول سده اخیر می دانم که عمدتاً بشکل جنبشهای چریکی در تعدادی از کشورهای تحت سلطه بوجود آمدند.

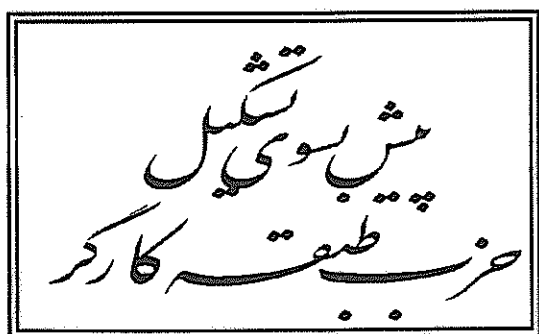
در اینجا فرصت آن نیست که بیش از این به علل اجتماعی و سیاسی این پدیده ها پرداخته شود. همینقدر بگویم که - در کنار تحولات ساختاری در کشورهای تحت سلطه - شکی نیست که افزایش خرده بورژوازی جدید، نقش روشنفکران و حضور نیروی وسیع حاشیه تولید رانده شده از روستاها صدها هزار کارگر جدید - الوورد به

استخوان در منجلا ب فرورفته بود، بلحاظ نظری عامل مهم انحرافات بحرانیها و شکست های طبقه کارگر و انقلاب در این کشورها محسوب می شود. رفرمیسم و پوپولیسم بطور کلی بر این زمینه و از میان این شکاف اظهار وجود کرد. بویژه این در مورد احزاب دنباله روادق است که بر حسب جهان بینی حاکم بر آنها، جهت سیاست خود را نه بر مبنای منافع طبقه کارگر و شرایط و واقییت های مبارزه طبقاتی، که با عقربه سیاست خارجی احزاب در قدرت و بنابر صلاح دید آنها تنظیم می کردند.

این تأثیر، بویژه در وابستگی به بوروکراسی شوروی، در سلسله اعصاب و ساختار درونی این احزاب هم بصورت فقدان دموکراسی، باندبازی، آنارشیسم، محفلیسیم، ودهها درد بی درمان دیگر که هیچگونه سنخیتی با جنبش کارگری و آرمان سوسیالیسم و کمونیسم ندارد، ظاهر شد. شما سرنوشت نمونه این احزاب و تاریخ زندگی و مبارزه آنها را از جمله در ایران، افغانستان، عراق، ترکیه و... می توانید مشاهده کنید. بعد از این تحولات هم سرنوشت آنها از سرنوشت بوروکراسی شوروی جدا نبوده نیست.

۲- پیرامون احزاب و سازمانهای مستقل، علل و زمینه های عینی و ذهنی بحرانها

همانطور که می دانیم، در این دوره، چه در امریکای لاتین و چه در شرق، احزاب و سازمانهای نسبتاً مستقلی هم بوجود آمدند که تلاش نمودند تا با این قطب ها مرزبندی داشته باشند. از جمله سازمانهای چریکی را می توان نام برد که البته مشی مبارزه مسلحانه و سازماندهی چریکی چیز تازه ای نبود که یکدفعه اختراع شده باشد. چرا که مبارزه مسلحانه هم شکلی از مبارزه است که هر لحظه می تواند در دستور مبارزه با دشمنی که مسلحانه عمل می کند قرار گیرد و یا بتقول رفیق احمدزاده، ممکن است شرایط این شکل از مبارزه را در یک منطقه و یا در کل یک کشور، برای یکدوره، ایجاد نماید. حرف بر سر آوانتوریسم یا پوپولیسم و آنارشیسم و سایر روشهای از این دست هم هست که درست از درون این تضادها سر بر آوردند. بعبارت دیگر محصول حل نشدن قطعی این تضادها در جهت غلبه بر بحران و تحکیم



صنایع، کارگاه‌ها و خدمات که هنوز افکار و سنتهای دهقانی را با خود حمل می‌کردند و یا در پاره‌ای کشورهای، لاینحل ماندن مسأله دهقانی و در پاره‌ای از کشورهای وجود ملیت‌های مختلف در شرایط سلطه امپریالیسم و حاکمیت دیکتاتوری نقش بازی می‌کردند.

انعکاس خواست و تمایل مبارزه با دیکتاتوری و امپریالیسم این اقشار که خواستهای عمومی دهقانی را نیز می‌توانست هدایت کند، روانشناسی توده‌ای عجیبی را ظاهر می‌ساخت که در تبلیغ مسلحانه سنتز می‌یافت و علی‌رغم نقش اصلی سلطه طولانی اپورتونیسیم و فرمیسم در جنبش کارگری، فعل و انفعالات ناشی از این سنتز در انتقال فعال مبارزه به دانشگاه‌ها، مدارس، بازار و در پاره‌ای از کشورهای محدود شدن آن به مناطق دهقانی خودبخود و بشکل دیالکتیکی نقش ایفا می‌کرد.

و در این هم شکی نیست که اینها نه تنها بدلیل شکست در زمینه احزاب سنتی، بلکه بدلیل عدم انطباق اشکال و شیوه‌های مبارزه‌شان با سیاست جاری قلوب‌های چین و شوروی می‌خواستند مستقل حرکت کنند. درحالیکه هرگز نتوانستند از شوائب ایدئولوژیک انحرافات و نتایج بحران در امان باشند، چون اساساً وجه تمایز خود را برپایه یک گسست قطعی، بلحاظ ارکان جهان بینی (در فلسفه، ایدئولوژی و سیاست) از انحرافات حاکم بر اردوگاه و احزاب فرمیست و اپورتونریست طرفدار آن قرار نداده بودند. به همین دلیل اینها در مرزبندی با پوپولیسم فرمیستی احزاب سنتی که بیشتر برپایه مرزبندیهای سیاسی بود تا ایدئولوژیک، در نهایت بدل به یک پوپولیسم رادیکال گشتند. حضور تفکر ماتریالیستی مکانیکی‌ای که گرایش فلسفی - ایدئولوژیک روشنفکران خرده بورژوا، دانشگاهیان، بورژوازی ملی و اقشار متوسط دهقانی را بازتاب می‌داد، بشکل درک پوپولیستی از طبقات اجتماعی، جدایی مبارزه ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه از مبارزه طبقاتی پرولتری در راه آزادی و سوسیالیسم و بی‌بها کردن شعار کمونیستها مبنی بر رهایی پرولتاریا بدست خود وی انجام می‌گیرد. تعویق برنامه پرولتری به برنامه‌های بورژوا - دمکراتیک، عدم تدارک نبرد قطعی بین پرولتاریا و بورژوازی

- که به صورت مختلف از جمله ترک کار سازمانیافته و با برنامه در درون طبقه بمنظور تلفیق سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری و کار کمونیستی ناشی از برنامه سوسیالیسم علمی ارائه درکهای مکانیکی از رابطه حزب و طبقه و پیشاهنگ و توده و ... تبلور می‌یافت - از جمله خصایص این گروه‌بندیها را تشکیل میداد. خصایصی که غیر طبقاتی بودن و غیر کارگری بودن را به یکی از وجوه مشخصه آنها، در تقریباً همه کشورهایائیکه بوجود آمدند، تبدیل کرد.

روشن است که در نتیجه تحولات اقتصادی و اجتماعی، پا گذاشتن طبقه کارگر به میدان مبارزه سیاسی و نقش و اهمیت جنبش کارگری، روندی که این جنبش‌ها آنرا بی‌می‌گرفتند، با بن‌بست و بحران مواجه می‌ساخت. این بحرانها، بویژه در شرایط تعمیق مبارزه طبقاتی - که آلترناتیو‌هایی بجز راه سرمایه‌داری و یا سوسیالیستی را بی اعتبار می‌کرد و نشان می‌داد که طبقات میانی فاقد هرگونه برنامه سیاسی و آلترناتیو مستقل هستند - پیش از پیش تشدید می‌شد. نتیجه این بحرانها هم که در فضایی نه آرام بلکه در جریان تنش‌های اجتماعی به خط آخر می‌رسید خلع سلاح می‌شد عمدتاً نه به باز تولید کمونیسم کارگری و سوسیالیسم مارکس بلکه به باز تولید فرمیسم و لیبرالیسم می‌انجامید. (به عنوان مثال تحول عمده در سازمان چریکها بسوی فرمیسم...)

در کشورهای با ساخت عمدتاً دهقانی نیز، تقریباً با این پروسه منتها یک مقدار کندتر مواجه ایم، گذشته از تأثیر رشد تدریجی سرمایه‌داری و مهاجرت روستایی در نتیجه رفرمهای ارضی از بالا و افزایش شهرنشینی و رشد جنبش کارگری، خود شکست جنبش‌های چریکی در روستا بدون نقد اساسی و علمی علل آن همان شکل مبارزه را به شهرها منتقل کرد. یعنی انتقال ثقل مبارزه مسلحانه به شهرها نه تنها راه خروجی از بحران و بن‌بستی که ریشه در جای دیگری داشت نگشود، بلکه این جنبش‌ها را از محسّنات و امتیازات مبارزه مسلحانه طولانی مدتی که به دهقانان متکی بود، نیز محروم کرد. دیگر پایه اجتماعی این گروه‌بندیها به مراکز روشنفکری، دانشگاه‌ها و مدارس محدود شد. روابط اجتماعی بدلیل ناهمخوانی اشکال مبارزاتی و سازمانیابی

عنصر وحدت بخش هم توسط خیلی از گرایش‌های غیر طبقاتی و مذهبی دیگر اعمال شد. بنابراین اگر منظور از جریان‌ها و جنبش‌های مستقل، این جنبش‌های چریکی و مبارزات مسلحانه است، تا زمانیکه تحولات اساسی و دگرگونی‌های عمیق ایدئولوژیک-سیاسی در آنها صورت نگرفت، علی‌رغم رادیکالیسم در عمل و ماهیت انقلابی نتوانستند نقش مؤثری در جنبش طبقه کارگر برای سوسیالیسم و کمونیسم بازی کنند.

۳- عدم توفیق در نقد رادیکالیسم پوپولیستی جنبش مسلحانه

در اینجا ضرورت دارد به يك نکته اشاره شود: آنهايکه در این جنبش‌ها خواستند به نقد رادیکالیسم پوپولیستی آنها در مشی مسلحانه به هویت پرولتری دست یابند، با سطحی نگری در این باره که «تمام تقصیرات مال مشی مسلحانه است»، عملاً قادر نشدند از زیر چتر انحرافات اپورتونیستی و پوپولیسم ناشی از آن خلاصی یابند. اینها نه تنها بخشاً به پوپولیسم رفرمیستی در غلطیدند، که تا ضد انقلاب هم چرخیدند. ناگفته نماند که این تجربه‌ها در جنبش‌های چریکی به همین جاها محدود نماند. بخشی دیگر از آنها در پروسه تحول خود نسبت به شرایط اقتصادی-اجتماعی‌ای که در آنجا بوجود آمده و مبارزه می‌کردند، تلاش نمودند تا بتوانند با نقد گذشته، پایه فعالیت خود را در جنبش کارگری قرار دهند.

واقعیت این است که تشدید مبارزه طبقاتی، پوسته پوپولیستی این جنبش‌های عموم خلتی را درید. مبارزه طبقات در جامعه در این ساختارها و در عناصر و رهبرها و افراد منعکس شد. وحدتهای سیاسی و تاکتیکی شکننده را بوسیله بحرانهای مداوم از هم پاشانده و به عناصر تشکیل دهنده خود تجزیه کرده است و بقایای آنها را هم تجزیه خواهد کرد. چونکه نیاز به يك نقد رادیکال و نه رفرمیستی از این کمونیسم خام که پوپولیسم هم وجهی از آن است با تحولات جامعه انطباق دارد. در غیر این صورت روند از هم پاشی را نمی‌شود با وحدت‌های مکانیکی و تجمعات ناهمگون مانع شد.

تحت شرایط دیکتاتوری حتی از این هم محدودتر گردید، درست به موازات آن و برپایه شرایط اقتصادی و تحولات اجتماعی در حال رشد این کشورها موقعیت سوسیالیسم خرده بورژوازی و ماتریالیسم غیرمارکس بمثابه اصول کمونیسم و غیره اشاعه یافت و تقویت گردید.

در این دوره ما شاهدیم که در کنار مبارزات چریک شهری که توسط نوع خاصی از سیستم تشکیلاتی و مناسبات تشکیلاتی عمدتاً حول مسایل سیاسی و تاکتیکی وحدت می‌یافت و بلحاظ ایدئولوژیک منافع طبقاتی معینی را بازتاب نمی‌داد، جنبش کارگری و توده‌ای هم راه خودش را می‌پیمود. اینها بموازات هم می‌رفتند و این بزرگترین بدشانسی جنبش‌های چریکی در اواخر دهه ۷۰ بویژه در شهرها بود. در اینجا من باز هم تأکید می‌کنم که مسأله بر سر مبارزه مسلحانه و یا نفی آن بمثابه عالی‌ترین شکل مبارزه نیست، که لزوماً باید در جای خودش به آن تأکید هم کرد. بلکه مسأله اینجاست که این مبارزه در عمده موارد انعکاس مبارزه طبقاتی پرولتری نبود، چه در مضمون، بلحاظ برنامه و اهداف کوتاه مدت و بلندمدت، و چه بلحاظ تاکتیک‌ها و روش و سبک کار و غیره. با مبارزه طبقه کارگر برای سوسیالیسم همخوانی نداشت و هر جا که در نتیجه برآمدهای انقلابی این امکان بوجود آمد تا منافع طبقات در این تشکیلاتها منعکس گردد آنها با بحران‌ها و تشتت‌های شدیدی مواجه شدند. اصول وحدتها زیر سؤال رفتند؛ آنارشیسم، سکتاریسم و فرقه گرایی‌ها ظاهر شدند. در هر گروه عناصر و فراكسیونهایی که جنبه انقلابیگری این پوپولیسم را کنار گذاشتند، بدترین خصایل انفرادمشی، محفلیسم و بطور کلی اخلاقیات خرده بورژوازی را بروز دادند که اساساً با کمونیسم و جنبش کارگری بیگانه بود. (نمونه این مناسبات را در سازمان چریکها در ایران و سازمانهای مشابه در ترکیه و سایر کشورها می‌توان دید.)

بهر حال، همانطور که گفتم، در خیلی از کشورها این دو مبارزه بموازات هم پیش رفتند. از هم جدا ماندند، شعارهای ملی نظیر مبارزه با دیکتاتوری و امپریالیسم، خیلی سریع توسط لیبرالها و حتی مرتجع‌ترین اپوزسیونهای رژیم حاکم خنثی می‌شد. خود مبارزه مسلحانه بمثابه

زمینه نقد واقعی سراپای ایدئولوژی و فلسفه‌ای که تحت عنوان مارکسیسم، خود مانع‌پیشروی و پیروزی مارکسیسم بود، فراهم شده است. در هر حال بعد از این بحرانها و از درون این تحولات بویژه در طیف ما کمونیستها که کمابیش به انحرافات اردوگاهی انگشت می‌گذاشتیم و در میان طبقه کارگر و جنبش کارگری مارکسیسم واقعی در حال جوانه زدن است. خارج از اینکه طبقات دیگر چه می‌کنند این مارکسیسم در میان طبقه کارگر باید خود را متشکل کند و سخنگوی طبقه خود باشد. بویژه از این نظر که اساسی‌ترین تضاد عامل این نابسامانیها و بحرانها در احزاب چپ تحت عناوین مختلف، همانا تضاد بین رشد سرمایه‌داری اهمیت روزافزون حضور طبقه کارگر و جنبش اجتماعی این طبقه و آلترناتیو آن از یکسو و برنامه‌های رفرمیستی، عموم خلقی و خرده‌بورژوازی از سوی دیگر بود که از طرف احزاب اردوگاهی و سازمانهای رفرمیست و عموم خلقی به پیش نهاده شده بود. بعبارت دیگر تضاد بین مارکسیست در حرف و خرده‌بورژوا در تفکر و عمل! پس توجه به خود این تضادها هم همان رجوع به مارکسیسم و طبقه کارگر است نه دست کشیدن از آن.

ادامه دارد

همینطور که می‌بینید از این سوسیالیست‌های باصطلاح مستقل، چه آنهاییکه در گذشته راه حل بحرانهای خود را در پیوستن تام و تمام به ترندهای اصلی دانستند و فکر کردند راه همان است که رفرمیستهای احزاب وابسته رفتند، و چه آنها که با مرزبندی سطحی سیاسی، التقاط ایدئولوژیک و انحرافات گذشته را حفظ کردند، هیچکدام نتوانستند گریبان خود را از تبعات سیاسی و تشکیلاتی بینش غیرطبقاتی رها سازند. در هیچکدام از کشورها هم تجمع دوباره و مکانیکی این گرایش‌ها ناهمگون و غیرطبقاتی هم دردی را دوا نکرده و تنها وارد شدن اینها به دور تسلسلی بوده که آغاز و پایانش یکیست و تنها راه برای افراد عناصر گروه‌ها و دسته‌های تجزیه شده‌ای که خود را مارکسیست می‌دانند نقد سراپای ایدئولوژی و باورهای گذشته خود و پیوستن به آن نهضت فکری‌ای است که مارکسیسم و طبقه کارگر را مرجع اصلی خود میداند.

اکنون که بعد از این تحولات طبقات تمایز روشنتری یافته اند، منافع طبقات با ابهام کمتری در تئوریا و شعارها منعکس می‌شود. خرده‌بورژواها، بورژوا دمکرات‌ها و ناسیونالیست‌هایی که روزگاری تحت عنوان سوسیالیست و مارکسیست فعالیت و بزیر پرچی دروغین حرکت می‌کردند راه خود را جدا کرده‌اند و یا صراحتاً دارند پی‌کار خودشان می‌روند و احزاب خودشان را بوجود می‌آورند. بدین ترتیب

اطلاعیه کمیته هماهنگی!

از کلیه رفقا درخواست می‌شود حداکثر تا آخر تیر ماه برای شرکت در نشست، تعیین نماینده و مشورت پیرامون چگونگی بسیج نیرو، زمان و مکان آن با آدرسها، پست الکترونیکی (e-mail)، فاکس و یا شماره تلفن زیر تماس بگیرند.

<p><u>آدرس پستی در آلمان:</u></p> <p>Fedayi Postlagerkarte nr 100965c 37030 Göttingen Germany</p>	<p><u>آدرس پست الکترونیکی:</u></p> <p>ircmove@algonet.se</p>	<p><u>آدرس پست الکترونیکی:</u></p>
	<p><u>فاکس:</u></p> <p>+۴۶/۰۷۰/۷۳۱۲۷۸۴</p>	
	<p><u>آدرس پستی در اسکندیناوی:</u></p> <p>Fedayi Box 19099 200 73 Malmö Sweden</p>	
<p>این شماره تلفن تنها روزهای شنبه از ساعت ۱۵ الی ۱۸ در اختیار کمیته هماهنگی است!</p> <p>(+)۴۶/۰۷۰/۷۳۱۲۷۸۴</p>		

سازماندهی برای اشاعه ایدئولوژی سوسیالیستی

قسمت دوم

با پوزش از خوانندگان!

به دلیل تراکم مطالب بولتن شماره ۲ قسمت دوم این مقاله را نتوانستیم در آن شماره چاپ کنیم. یادآوری می‌شود که این مقاله سال ۱۳۶۵ در نشریه جهان نو ارگان فعالین سچفخا در خارج کشور به چاپ رسیده بود که در اینجا به تجدید چاپ آن اقدام می‌شود.

مطالعه سازمانهای سیاسی باید توجه داشت که آنها بر خلاف سیستم های اجتماعی که دارای نظم خود به خودی بوده و توسط ارزشها، نورمها و اخلاقیاتی که عمیقاً در فرهنگ جامعه ریشه دارند کنترل میشود، دارای ساختی آگاهانه هستند و کلاً توسط قوانین، مقررات و ایدئولوژی هدایت میگردند. در این میان ایدئولوژی نقش بسیار مهمی در ایجاد، حفظ و هدایت سازمانهای سیاسی ایفا مینماید. در حقیقت سازمانهای سیاسی نقش میانجی بین تئوری و عمل را بعهده دارند. بقول لوکاچ، مسئله سیاسی هر انقلاب این است که " آیا شیوه های سازماندهی درست برای انتقال تئوری به عمل انتخاب شده است".

با استفاده از تعاریف بالا میتوان سازماندهی انقلابی را بصورت زیرتعریف کرد: مکانیسمهای منجسم و سیستماتیزه که آگاهانه برای انتقال ایدئولوژی به پراتیک مشخص و تحقق اهداف مشخص بکار میروند. منظور ما از ایدئولوژی در اینجا ایدئولوژی خالص و ایدئولوژی عملی هر دو است. اما از آنجا که سازمانهای سیاسی تنها میتوانند ایدئولوژی عملی را به پراتیک مشخص تبدیل کنند، ایدئولوژی خالص ابتدا خود باید بدل به ایدئولوژی عملی گردد. گذشته ازین، ایدئولوژی خالص، جهان بینی، که شامل آرزوها و آرمانهای طبقه انقلابی نیز میشود، برای اعضای یک سازمان انقلابی ضرورت بکارگیری عملیات انقلابی را توجیه میکند و آنها را به مبارزه امیدوار میسازد.

وظایفی که برعهده سازمانهای انقلابی است گوناگون بوده و در شرایط مختلف تغییر میکند. عالی ترین شکل سازمان

تا بحال ما به تبیین ایدئولوژی و آگاهی طبقاتی پرداختیم و این دو مقوله را در ارتباط با یکدیگر تعریف نمودیم. اکنون باید به این مسئله بپردازیم که چگونه در عمل میتوان ایدئولوژی را به ذهنیت طبقه کارگر (آگاهی طبقاتی) منتقل نمود. همانگونه که تجربه تمام انقلابات پیروزمند نشان میدهد، ایدئولوژی انقلابی را نمیتوان بدون استفاده از مکانیسم های سازمانی به ذهنیت طبقه کارگر و متحدان آن منتقل نمود. بنابراین مسئله سازماندهی برای اشاعه ایدئولوژی انقلابی، مسئله اساسی هر انقلاب اجتماعی است. لنین بر خلاف تاکیدات یک جانبه بلانکی بر سازماندهی محدود، مخفی، سلسله مراتب و منحصرأ متشکل از روشنفکران و پاتاکیدات یکجانبه روزالو کرامبورگ برجنبش توده ای، ارتباط دیالکتیکی بین سازمان آگاه پرولتاریا و جنبش توده ای را مورد تاکید قرار میدهد. در این نوشته ما میکوشیم نشان دهیم که چگونه اشکال مختلف سازماندهی میتواند به کمونیستها کمک نماید تا درون کارگران و زحمتکشان نفوذ نمایند، آنها را آگاه نموده و مبارزاتشان را متشکل سازند. در جامعه شناسی سازمان بصورت زیر تعریف میشود: سازمانها ابداعات اجتماعی با ابزار توسعه یافته توسط انسانها برای انجام کارهای مشترک میباشند و اغلب شامل افراد، معارف و مواد مختلفی هستند که بصورت سیستماتیزه شده و تجمع متجانسی درآمده اند. سازمانهای سیاسی عبارت از سیستمهایی هستند که آگاهانه برای تغییر شرایط یا انطباق با شرایط و رسیدن به اهداف مورد نظر تشکیل میشوند. آنها ابزاری هستند که مشترکاً یا بطور فردی به کار سیاسی و بسیج سیاسی میپردازند. برای

کننده در انتقال ایدئولوژی ایفا مینمایند، با این حال اتحادیه های کارگری تفکر سیاسی (البته بصورت خام) را به توده های کارگر می آموزند و از اینرو پیش شرط کسب آگاهی سوسیالیستی محسوب میشوند.

سیستم های ارتباطی و آموزشی

سئوالی که در اینجا مطرح میشود این است که سه شکل عمده سازمانهای وابسته به طبقه کارگر، یعنی اتحادیه های کارگری، شوراهای کارگری و حزب طبقه کارگر، هر یک چگونه وظایف آموزشی خود را انجام میدهند. یا عبارت دیگر چگونه ایدئولوژی سوسیالیستی را به ذهنیت (آگاهی طبقاتی) افراد طبقه کارگر منتقل میسازند. وظایف آموزشی سازمانهای پرولتاریا از طریق سیستمهای ارتباطی انجام میگردد. کارکرد اصلی سیستمهای ارتباطی عبارت است از ارائه اطلاعات و ایده ها، اجتماعی کردن و بسیج سیاسی مردم. سیستمهای ارتباطی بر دو گونه اند: ۱) سیستم های ارتباطی غیرمستقیم مانند روزنامه و نشریات، فیلم، اسلاید، رادیو و... ۲) سیستم های ارتباطی مستقیم مانند گروه مطالعه، گروه بحث، گروه همایی، سخنرانی، تئاتر خیابانی و موسیقی. اگرچه موثرترین سیستم ارتباطی برای آموزش پرولتاریا، ارتباط مستقیم و چهره به چهره میباشد، با اینحال نباید اهمیت سیستم های ارتباطی غیر مستقیم، بویژه وسائل ارتباط چاپی را در شرایط خفقان و اختناق نادیده گرفت. اهمیت نشریه و بویژه روزنامه مخفی بدستی توسط لنین تشخیص داده شد. مزایای ارتباط از طریق نشریات در این است که ۱) میتوان آنها را در تیراژ وسیع و در شرایط خفقان پخش نمود، ۲) راحتتر میتوان آنها را مبادله کرد، ۳) برای استفاده بعدی میتوان آنها را حفظ نمود و ۴) بسیار ارزان است.

برای استفاده درست از سیستم های آموزشی باید مسائل زیر مورد توجه قرار گیرد: ۱) شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ۲) نوع پیام و آموزشی که اشاعه می گردد و ۳) روانشناسی اجتماعی افراد و یا اقشاری که مخاطب هستند. در دوران انقلابی، گروههای کوچک بحث و مطالعه مخفی

پرولتاریا، یعنی حزب کمونیست، خود متشکل از شبکه های سازمانی مختلفی است که وظیفه تدوین سیاست، هماهنگی، نظارت، بسیج اقتصادی، سیاسی و نظامی در مناطق مختلف را بعهده دارد و بعد از کسب قدرت سیاسی نیز برای مدتی نقش دولت رابعهده میگردد. آزمون وظایف مختلف سازمانهای انقلابی در اینجا ما بر نقش آموزشی آنها تاکید مینمائیم و سازماندهی را بمناب زنجیر اتصال ایدئولوژی و آگاهی طبقاتی مورد تحقیق قرار میدهیم.

بدیهی است که در شرایط مختلف، سازمانهای سیاسی کارکردهای آموزشی گوناگونی را بعهده دارند. برای مثال در شرایط اختناق که تماس گیری با طبقه کارگر بسیار مشکل است، امر انتقال ایدئولوژی سوسیالیستی به طبقه کارگر با دشواری بسیاری روبرو است. در شرایط قبل از انقلاب، یعنی در دوره رکود سیاسی تنها میتوان آگاهی اتحادیه ای را به طبقه کارگر منتقل نمود و عالی ترین سطح سازماندهی، یعنی سازماندهی حزبی نیز قادر به ارتقاء آگاهی کارگران به آگاهی سوسیالیستی نیست. در دوران انقلابی زمینه برای رشد آگاهی انقلابی فراهم میگردد، اما شرایط خفقان و اختناق تنها به بخش کوچکی از طبقه کارگر این امکان را میدهد که آگاهی سوسیالیستی کسب کند. در دوران بعد از انقلاب و با کسب قدرت توسط پرولتاریا، زمینه های لازم برای آموزش توده های کارگران فراهم میگردد.

در میان اشکال سازمانی پرولتاریا، اگرچه حزب طبقه کارگر اساسی ترین نقش را بعهده دارد، ولی نقش آن در رابطه با آموزش توده های کارگر بسیار کلی و غیر مستقیم است. کارگران را باید عمدتاً در تشکل های صنفی، طبقاتی و توده ای خودشان، یعنی در اتحادیه ها و شوراهای کارگری آموزش داد. اتحادیه های کارگری زمینه ساز کسب آگاهی سوسیالیستی توسط کارگران هستند. شوراهای کارگری بمناب ارگانه های اقتدار کارگری انتقال ایدئولوژی سوسیالیستی را از لحاظ عملی میسر میسازند. اگرچه شوراهای کارگری با برانگیختن خلاقیت و ابتکار بدنه طبقه کارگر نقش تعیین

در رابطه با بخشهای مختلف طبقه کارگر و دیگر اقشار جامعه بکار برنا؟

۶) ذهنیت کارگران و اقشار مختلف مردم و ویژگی های تاریخی، فرهنگی و مذهبیه جامعه چه تأثیری بر محتوی و فرم تبلیغات ما میگذارد؟

۷) از هر سیستم ارتباط آموزشی در چه مناطق، اماکن و محلاتی میتوان استفاده نمود؟

مسئله سازماندهی در انقلاب ویتنام، کوبا و

نیکاراگوئه

در اینجا مختصراً به نقش سازماندهی در ارتقاء آگاهی طبقاتی در انقلابات ویتنام، کوبا و نیکاراگوئه میپردازیم. دیوید مار یکی از محققین غیر مارکسیست انقلاب ویتنام در این مورد مینویسد: "تمام تحولات تاریخ قرن بیستم ویتنام باید در چارچوب تغییرات اساسی که در آگاهی سیاسی و اجتماعی بخش مهمی از مردم ویتنام در دوره ۴۵-۱۹۲۰ بوجود آمد، فهمیده شود". بعقیده دیوید مار عناصر اصلی چنین آگاهی سیاسی و اجتماعی عبارت بودند از:

اعتقاد به این مسئله که مردم میتوانند بطور بنیادی عوض شوند، شناخت از بحران تاریخی جامعه، احترام عظیم برای شناخت، تعهد به مبارزه و اعتقاد به تکامل انسان و ارزش نوع انسان. دویکر در مطالعات خود نقش ایدئولوژی مارکسیستی و نفوذ آن در بین مردم ویتنام را تصویر مینماید: "مارکسیسم بخاطر تصویر منطقی ای که از نیروهای تاریخی ای که جهان را بحرکت در میاورند، ارائه میدهد، در تأسیس یک حزب انقلابی با دیسیپلین که خود را وقف کار انقلابی نماید، جدی بود و در تصویر جهان آینده که باید بر اساس عدالت اقتصادی و اجتماعی بنا شود، مراعات اخلاق را مینمود و آلترناتیو جلب کننده ای در مقابل جهان بینی بی اعتبار کنفوسیوس ارائه میداد. مارکسیسم پلاتفرم مناسبی در اختیار ویتنامی های میهن پرست گذاشت تا مبارزه برای استقلال و هویت جدید ملی را دنبال کنند". در مورد نقش سازماندهی "برمن" مینویسد که استراتژی

در کارخانه، مدارس و محلات و نشریات (از روزنامه گرفته تا اعلامیه) بهترین کانال برای اشاعه ایدئولوژی سوسیالیستی در میان پرولتاریا و متحدان آن میباشد. در این میان روزنامه مخفی سراسری میتواند نقش سازمانده جمعی را ایفا نماید. بقول لنین روزنامه مخفی نه تنها پرولتاریا را از لحاظ تئوریک آموزش میدهد، بلکه شعور سیاسی آنها را از طریق پخش اخبار نواحی مختلف بالا میبرد و "شیوه های مناسب برای تأثیر گذاری بر اتفاقات سیاسی از طریق حزب انقلابی را تجویز مینماید". با استفاده از رادیو های مخفی نیز میتوان وسیع ترین اقشار مردم را با ایدئولوژی سوسیالیستی آشنا نمود.

پس از کسب قدرت میتوان تمام سیستمهای ارتباطی ممکن را برای گسترش و اشاعه آگاهی سوسیالیستی در بین کارگران و زحمتکشان بکار گرفت. تلویزیون، رادیو، تئاتر، سینما و موسیقی میتوانند وسیع ترین اقشار مردم را با مفاهیم سوسیالیستی آشنا نمایند. مبارزه با بیسوادی در شهرها و روستاها نیز کانال مناسبی برای انتقال ایدئولوژی سوسیالیستی به خیل وسیعی از زحمتکشان است. بطور خلاصه سیستمهای ارتباطی آموزشی مهمترین نقش را در پروسه انقلاب و بعد از آن ایفا مینمایند. چنانچه بخواهیم مباحث این بخش را جمع بندی کنیم باید بگوییم که انقلابیون کمونیست باید در مبارزه خود همواره سئوالات مشخص زیر را از خود بنمایند:

۱) چگونه پرولتاریا میتواند به آگاهی سوسیالیستی دست یابد؟

۲) در هر مرحله از جنبش، چه اشکال سازمانی میتوانند ما را در رسیدن به این هدف یاری رسانند؟

۳) در هر شکل سازمانی خاص، پرولتاریا از چه سیستمهای ارتباطی آموزشی میتواند استفاده نماید؟

۴) در رابطه با اقشار مختلف جامعه و بخشهای مختلف طبقه کارگر چه نوع پیامی را باید اشاعه نمود؟ بعبارت دیگر چه بخشهایی از ایدئولوژی خلاص سوسیالیستی و ایدئولوژی عملی سوسیالیستی باید اشاعه شود؟

۵) سیستمهای ارتباطی باید چه نوع زبان و سبک کاری را

تعیین کننده ای در ارتقاء آگاهی کارگران و زحمتکشان ایفا نموده است. "وبر" از "اف اس ال ان" بعنوان سازمان سیاسی بی‌یاد میکند که هدفش سازماندهی و دفاع از منافع کارگران بوده است. "این واقعیت و در کنار آن ایدئولوژی، برنامه و استراتژی "اف اس ال ان" در رابطه با روابط بین المللی، آنرا بمتاقبه سازمان انقلابی پرولتاریای نیکاراگوئه در میاورد". در سال ۱۹۶۹ "اف اس ال ان" به کار سیاسی و سازماندهی در میان کارگران کشاورزی پرداخت و بخاطر همین کار سازمانی طولانی، در سال ۱۹۷۷ موفق گردید آنها را به مبارزه مسلحانه علیه دیکتاتوری بکشاند. تشکیل جنبش خلقی متحد "ام پ یو" نیز بر اساس ائتلاف ۲۲ سازمان توده ای کارگری، دانشجویی، زنان و زحمتکشان شهری تحقق یافت. همانگونه که "پتراس" متذکر میگردد، "کار سیاسی - سازمانی ده ساله "اف اس ال ان" چه در سازمانهای رسمی و چه در شبکه های غیر رسمی نتیجه خود را در اتحاد کامل بین ساکنین محلات و چریکها و پیوستن سیل داوطلبان به واحدهای میلیشیا نشان داد". "مراسم به خاک سپردن شهدا، سمینارهای سیاسی و وسائل ارتباط جمعی، سه ابزار اصلی سیاسی کردن مردم در اولین ماههای بعد از انقلاب بود". موسیقی و "جنبش ترانه جدید" نقش مهمی در ارتقاء آگاهی سیاسی و بسیج مردم نیکاراگوئه ایفا نموده اند.

ملاحظات در مورد مسئله سازماندهی در جنبش

کمونیستی ایران

در مقدمه اشاره شد که مشکل عمده جنبش کمونیستی ایران ضعف کیفی طبقه کارگر و ناتوانی کمونیستها در یافتن مکانیسمهای سازمانی مناسب برای انتقال ایدئولوژی سوسیالیستی بدرون جنبش خودبخودی کارگران است. نگاهی کوتاه به مبارزات کارگری ایران در سالهای اخیر نشان میدهد که علیرغم رزمندگی و توان مبارزاتی آنها مبارزاتشان [به آگاهی] سوسیالیستی مجهز شود. طبقه کارگر ایران هنوز نمیداند جایگاه تاریخی اش در سرنگونی رژیم

اصلی حزب کمونیست ویتنام ساختن یک سازمان اجتماعی انقلابی و توده ای شامل حزب، ارتش خلقی و شبکههای از موسسات غیر نظامی در دهات بود. بنظر وی انقلابیون ویتنام سازماندهی را هم بعنوان وسیله و هم بعنوان هدف بکار میبردند و توده ها را به درون سازمانهای موجود بسیج میکردند تا از آنها برای ایجاد سازمانهای توده ای جدید استفاده کنند. "برمن" همچنین به نقش ایدئولوژی در هدایت انواع مختلف سازماندهی اشاره میکند. ایدئولوژی نه تنها مبارزه انقلابی را مشروعیت میدهد، بلکه در بسیج دهقانان، ادغامشان در سازمانهای جدید و حفظ سازمانهای موجود، نقش تعیین کننده ای ایفا نمود.

بر خلاف تحلیل های سطحی رژی دیره که پیروزی انقلاب کوبا را نتیجه عملیات مسلحانه گروهی کوچک از انقلابیون میدانند، وودیس نقش سازماندهی را در ارتقاء آگاهی کارگران از سال ۱۸۹۲ - سالگرد تاسیس "حزب انقلابی کوبا" - به بعد نشان میدهد. به نظر او "حزب کارگران کوبا" که در سال ۱۹۰۴ تاسیس شد و "حزب کمونیست کوبا" که در سال ۱۹۲۵ بوجود آمد، نقش عظیمی در بسیج و آگاه کردن طبقه کارگر کوبا ایفا نمودند. یکی از عمده ترین دلایل پیروزی کاسترو این بود که "احساسات توده ای به نفع انقلاب ضد امپریالیستی و تغییرات انقلابی سوسیالیستی در طی دهها سال در ذهن مردم کوبا بوجود آمده بود".

حزب کمونیست کوبا علیرغم انحرافات رفرمیستی اش بعد از دهه ۵۰، طی سالهای طولانی کارسازمانی در درون طبقه کارگر، وی را برای شرکت در انقلاب و قبول ایده های سوسیالیستی آماده نمود. موریس زایتلین در مطالعه خود از وضعیت سیاسی طبقه کارگر کوبا، به نقش فعالیتهای کمونیستها در اتحادیه های کارگری و در تربیت کادرهای کارگری سازمانده و مبلغ اشاره میکند. همانطور که وی خاطر نشان میسازد، "محتوای آموزش و اشاعه دکترین و تبلیغات کمونیستها در میان کارگران، ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری و سوسیالیسم انقلابی بود در پروسه انقلاب نیکاراگوئه و بعد از آن، سازماندهی نقش

سرمایه داری [کدام است و مبارزاتش در مقطع] کنونی اغلب خودبخودی و بدون برنامه ریزی قبلی است. علیرغم وجود تعدادی کارگر پیشرو در واحدهای تولیدی مختلف- البته بصورت پراکنده-، هنوز بدنه طبقه کارگر بصورت طبقه برای خود درنیامده است. بخش اعظم کارگران در بهترین حالت از آگاهی طبقاتی خودبخودی برخوردارند. یعنی خود را جزو طبقه کارگر میدانند، دشمن طبقاتی خود، یعنی رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران تحت حمایت آنرا میشناسند و برای خواسته های بلاواسطه اقتصادی مبارزه میکنند. درحالیکه پرولتاریا برای کسب هژمونی انقلاب و رهبری اقشار دیگر جامعه باید به آگاهی سوسیالیستی مجهز شود. طبقه کارگر چیست؟ طبقه کارگر ایران هنوز به نظام سوسیالیستی متشابه نظام عالی تری که باید جایگزین نظام کنونی شود، آگاه نشده است. طبقه کارگر ایران هنوز نمیداند چگونه میتوان رژیم جمهوری اسلامی و یا هر رژیم سرمایه داری دیگر را سرنگون نمود و حکومت تحت رهبری پرولتاریا را به شکل جمهوری دمکراتیک یا هر شکل عملی دیگر مستقر ساخت. در یک کلام، ایدئولوژی سوسیالیستی هنوز به بدنه طبقه کارگر ایران منتقل نشده است. برای ریشه یابی علل اینکه چرا طبقه کارگر ایران هنوز از آگاهی سوسیالیستی برخوردار نیست، باید ابتدا پرسید که آیا جنبش کمونیستی ایران خود به ایدئولوژی سوسیالیستی مجهز است یا خیر. اگر منظور از ایدئولوژی، همان ایدئولوژی خالص سوسیالیستی یا جهان بینی مارکسیستی باشد، جواب مثبت است. بعد از رستاخیز سیاهکل، نسل جدیدی از کمونیستها بوجود آمده است که هدف خود را کسب جهان بینی و اشاعه مارکسیسم انقلابی نموده و در این مورد تقریباً موفق بوده است. اما اگر منظور از ایدئولوژی سوسیالیستی، ایدئولوژی عملی سوسیالیستی و یا تئوری انقلابی باشد، باید اذعان داشت که ضعفهای بسیار جدی در اینمورد وجود دارد. همانطور که قبلاً اشاره کردیم ایدئولوژی عملی سوسیالیستی یا تئوری انقلابی شامل چهار جزء میباشد: تعیین استراتژی کلی انقلاب، تدوین برنامه عمل مشخص، تعیین

تاکتیکهای مناسب و کاربرد مکانیسمهای مناسب برای آموزش سیاسی اعضای طبقه کارگر و متحدان آن. در این میان، اگرچه جنبش کمونیستی ایران موفق به تعیین استراتژی کلی انقلاب، یعنی تعیین مرحله انقلاب با توجه به خودویژگیهای جامعه ایران شده است، ولی هنوز دارای برنامه عمل مناسبی که بتواند اقشار مختلف جامعه و نیروهای سیاسی انقلابی و مترقی را بدور خود گرد آورد، نیست. هنوز نمیتواند تاکتیکهای مناسب با شرایط متحول کنونی اتخاذ نماید و پتانسیل عظیم مبارزاتی کارگران، زحمتکشان و دیگر اقشار مردم را هدایت و کانالیزه کند. تاکتیکهای جنبش کمونیستی، مراتب از جنبش خودبخودی توده ای عقب تر است. جنبش کمونیستی هنوز موفق به کشف مکانیسمهای سازمانی برای انتقال ایدئولوژی سوسیالیستی به بدنه طبقه کارگر و زحمتکشان نشده است. در یک کلام، جنبش کمونیستی ما هنوز از یک تئوری انقلابی منسجم محروم است. طبیعی است که در شرایطی که جنبش کمونیستی خود دارای تئوری منسجمی نیست، انتظار اینکه بدنه طبقه کارگر از آگاهی سوسیالیستی برخوردار باشد، انتظار بیهوده ای است. به نظر ما از میان ضعفهای بالا، ضعف جنبش کمونیستی در کشف مکانیسمهای سازمانی مناسب برای انتقال ایدئولوژی به بدنه طبقه کارگر بسیار کلیدی تر است. بدیهی است که هدف ما در اینجا فرمولبندی این مکانیسمهای سازمانی نیست. چرا که این کار باید در بطن جامعه و در پروسه مبارزه صورت گیرد. بهر حال ما در اینجا صرفاً چند ایده کلی را یادآوری میکنیم باشد تا در عمل سودمند افتد. جنبش کمونیستی باید در سبک کار موجود تغییرات اساسی بوجود آورد و از کلیه دستاوردها و تجربیات جنبش های دیگر در رابطه با کار آموزشی در میان توده ها، استفاده کند. کمونیستها باید به جامعه شناسی محیطی که در آن مبارزه میکنند و روانشناسی اجتماعی توده ها آشنا باشند، ذهنیت آنها را درک کنند، زبانشان را بفهمند و در رابطه با

پیرامون سبک کار و مسایل اساسنامه‌ای

قسمت سوم

ضرورت مبارزه ایدئولوژیک

مبارزه ایدئولوژیک در جنبش کمونیستی بمشابه وجهی از مبارزه طبقاتی پذیرفته شده است، چرا که نفوذ افکار و ایدئولوژی افشار و طبقات غیرپرولتری در احزاب و جریانات کمونیست یکی از اهرمهایی است که بوسیله آن کوشش می‌شود تا مبارزات و فعالیت‌های طبقه کارگر خنثی گردد. بعبارت دیگر مبارزه ایدئولوژیک و گسترش آن در جامعه انعکاسی از قانونمندیهای مبارزه طبقاتی است. ازینرو مبارزه ایدئولوژیک نه تنها در خارج از حزب و در کل جامعه ضرورت دارد، که در درون خود جنبش کمونیستی نیز بازتاب همان شرایط عینی جامعه بوده و ضرورت می‌یابد.

اهمیت مبارزه ایدئولوژیک و موفقیت آن (بویژه در برخوردها و مبارزات نظری درون حزبی) با دموکراسی و نهادی بودن آن در فرهنگ و باور تمامی اعضا و نیز در منش، روش و سبک کار تشکیلات حزبی رابطه‌ای ناگسستگی دارد. بوسیله مبارزه ایدئولوژیک، اختلاف نظرات و برخورد آرا و عقاید به مجرای صحیحی برای مبارزه هدایت می‌شوند، نظرات با همدیگر به رقابت برمی‌خیزند، صحت و سقم نظرگاهها در معرض نقد و قضاوت آگاهانه قرار می‌گیرد، اختلافات صراحت پیدا می‌کنند، از انحرافات، کجرویها و اشتباهات جلوگیری بعمل می‌آید و در نهایت پیشبرد سالم مبارزه ایدئولوژیک به تحکیم دموکراسی، تکامل نظرگاهها و ارتقای سطح آگاهی اعضای حزب و استحکام صفوف آن می‌انجامد. از اینرو مبارزه ایدئولوژیک همواره به مثابه وجهی از مبارزه طبقاتی مدنظر می‌باشد. بدون بکارگیری صحیح این مبارزه حزب طبقه کارگر قادر به شناخت بموقع انحرافات که بناگزیر از طریق سنتهای هزاران ساله و از طریق جامعه سرمایه‌داری، تئورسین‌ها و ایدئولوژیهای آن به درون جنبشی کارگری سرازیر میشوند، نخواهد بود.

اما انحرافات پوپولیستی (چه پوپولیسم رفرمیستی و چه رادیکال آن)، تجمع گرایشات مختلف زیر یک

سقف حول شعارها و اهداف کلی را ملکه ذهن خود قرار میدهد. لذا علیرغم پوشش بظاهر مارکسیستی و سوسیالیستی خود مبارزه ایدئولوژیک را بمشابه وجهی از مبارزه طبقاتی کارگران مدنظر قرار نمی‌دهد.

تمایل به سازش نظرات مختلف حول اهداف تاکتیکی - بدون اینکه اختلافات نمایان شوند - یا کم‌رنگ کردن آنها بمنظور حفظ موقعیت و مناسبات جاری، توجیه ضعفها براساس عوامل عینی، کم بها دادن به عوامل ذهنی، انداختن اشکالات به گردن افراد، عدم بررسی علل عینی و ذهنی بوجود آورنده آنها، از جمله موارد بیشماری است که در سطح جنبش چپ و کمونیستی بدلیل نفوذ و حضور تفکرات پوپولیستی جاری و عادی بود. این انحرافات مانع می‌شد تا یک مبارزه ایدئولوژیک اصولی و ادامه‌دار در چپ ایران علی‌العموم - و در سازمان ما علی‌الخصوص - جریان یابد. هربار که مبارزه ایدئولوژیک تحت فشار واقعیات تحمیل می‌شد، با سد و مانع این گرایشات پوپولیستی مواجه شده و سرانجام به تشهای فردی در بالا و انشعابات مکانیکی و غیراصولی درپایین می‌انجامید. وقتی هم برای توجیه این انشعابات و جدایی‌ها پوشش ایدئولوژیک و سیاسی لازم می‌شد، مباحثات محدود از دایره نخبگان فراتر نمی‌رفت. به آگاهی کارگران و توده اعضا از این مباحثات کمترین بهایی داده نمی‌شد. حتی سیاهی لشکرهایی که در دفاع از طرفین مبارزه بوجود می‌آمدند، اغلب نه تنها از دایره این باصطلاح مبارزه ایدئولوژیک بدور بودند، که از درک و فهم آنچه که رخ داده بود هم عاجز می‌ماندند. در ساخت فکری پوپولیسم «مبارزه ایدئولوژیک» تنها و تنها نزد نخبگان مجاز است، آنهم زمانی که انعکاس مبارزه طبقاتی بناگزیر برادریهای صوری و سازشهای غیراصولی آنها را بهم زده باشد.

این طرزتفکر اهمیتی به انعکاس مبارزه ایدئولوژیک در سطح جامعه و در درون جنبش کارگری و توده اعضای خود نمی‌دهد. از مشارکت دادن اعضا، بویژه کارگران پیشرو، در مباحثات و نمایاندن اختلافات و از درگیر نمودن آنها در مبارزه ایدئولوژیک و مباحث پرهیز می‌کند. در گذشته حضور همین تفکرات مانع

انشقاقاتی را تحمیل می‌نموده دست به گریه و زاری می‌زدند و یا گوشه انزوا می‌گزیدند.

بدین ترتیب تلاش جنبش کمونیستی که جنبشی سازنده، پویا و انقلابی است، برای زدودن انحرافات و پیشبرد یک مبارزه ایدئولوژیک سالم با یک چنین موانعی مواجه می‌شد. گرایشات پوپولیستی که از منشأ ماتریالیسم مکانیکی تغذیه می‌کنند و منافع و تمایلات اقشار و طبقات غیر پرولتری در جامعه را منعکس می‌نمایند، همانقدر در اعمال دموکراسی درون تشکیلاتی مانع جدی بشمار رفته و می‌رود که در اعمال سانترالیسم.

حضور این طرزتفکر زمینه‌های رشد بوروکراسی و برخوردی بوروکراتیک را فراهم می‌سازد، رکود ایدئولوژیک را تشویق می‌نماید. همانطور که در شوروی و در جنبش جهانی و در فعالیتهای خود هم تجربه کردیم وقتی این روش مسلط می‌شود و عمل می‌کند - بویژه در شرایط رکود ایدئولوژیک - فقدان زمینه و فضای مناسب برخورد آزادانه افکار و نظرگاهها با ذهنی‌گرایی سیاسی توأم شده به اعمال اراده بدون توجه به زمینه‌های عینی و ذهنی موجود در می‌غلطید به الگوپردازی و اکلکتیویسم در برنامه و دنباله روی از حوادث کشیده می‌شود.

ادامه دارد

عمواوغلی

تنها در شرایط دموکراسی و کنترل

مدام از پایین است که فضای مناسب

برای رقابت افکار و استعدادها بوجود

می‌آید، از تحریف سوسیالیسم

جلوگیری می‌شود و پرورش کادرهایی

که باید بار عظیم نبرد آینده را بدوش

بکشند، امکانپذیر می‌شود.

از آن می‌شد تا هزاران کارگر پیشرو و دهها رهبر عملی جنبش کارگری که در جریان قیام به سوی احزاب و سازمانهای جنبش چپ و کمونیستی روی آورده بودند، فرصت یابند تا اندیشه سوسیالیسم علمی و کمونیسم را در فعالیتهای مبارزاتی خود یاد بگیرند و بکار بندند. تا از این طریق مسأله تلفیق سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری را به سرانجام مطلوبش برسانند، با استفاده از فضای بوجود آمده در ساختمان حزب خود مشارکت کنند و موفق شوند. حضور این انحرافات به شکل‌گیری ساختارهایی می‌انجامید که در آن سنت و تعصب به جای آگاهی می‌نشست. در یک طرف متعصبانی بوجود می‌آمدند که در دفاع از این یا آن فرد رهبری صف‌آرایی کرده، بروی هم خنجر می‌کشیدند و همدیگر را رسوا می‌کردند. از طرف دیگر نیروهایی شکل می‌گرفتند که بدون درک اختلافات و انحرافات، تشکیلات را یک موجود مقدس الهی می‌پنداشتند که گویا دست زدن به ترکیب آن گناه کبیره بود. از فکر هرگونه اختلاف، انشعاب، مبارزه ایدئولوژیک، جدایی، علنی شدن اینکه در این تشکیلات، بین رهبران اختلاف سیاسی و نظری بوجود آمده، بر خود می‌لرزیدند، به منتقدین لعنت می‌فرستادند، کعبه آمالشان فرو میریخت، در هم می‌پیچیدند و فعالیتهای خود را بر باد رفته می‌پنداشتند. در این سیستم فکری مبارزه طبقه کارگر و مبارزه برای پیروزی آن محلی لز اعراب نداشت. این طیف که عملاً به تحکیم بوروکراسی، فقدان فضای برخورد آراء و عقاید و نتیجتاً به تشدید بحران خدمت می‌نمود، بواسطه شکل‌بندی تشکیلاتها در هنگام بروز اختلافات همواره نقش تعیین کننده داشته و خواستار سازش و تداوم آن به هر قیمتی بودند. این افراد به تداوم وحدتهای صوری سازشکارانه - به منظور ارائه یک تصویر غیرواقعی به بیرون از سازمانی که در آن فعالیت می‌نمود - دلخوش می‌کردند؛ هرگونه مخالفت با رهبری، مبارزه ایدئولوژیک، بروز اختلاف، وجود انشعاب (هرچند انشعاب لازم و اصولی) را محکوم می‌کردند. وقتی هم که واقعیات چنین - انشعابات که نه!

پیرامون سه شعار، تأکید بر مارکسیسم، انتقاد از گذشته و اتکاء به جنبش کارگری

بودیم و هستیم در این زمینه فراتر رویم و یک پله خود را به جلو ببریم. واقعیت این است که جنبش ما در زیر تیغ دیکتاتورهای شکل گرفته، رشد کرده آثار مارکسیستی اغلب از محدوده ترجمه‌های حزب توده فراتر نمی‌رفت. تازه آنهم زیر چماق و سرنیزه می‌توانست مطالعه شود. اغلب مارکسیسم نه تنها در سطح اعضا بلکه در سطح رهبرها هم مطالعه نمی‌شد. اگر هم مطالعه می‌شد، بسیار سطحی بوده است. تعلق خاطر به این حزب، آن سازمان و... کافی بود تا هر فردی خود را در جرگه مارکسیستها بحساب آورد. این وضع بویژه وقتی فاجعه بار بود - و هست - که این فقدان آگاهی و مطالعه مارکسیسم در سطح رهبران و کسانی که عهده‌دار مسؤولیت‌های مهمی بودند، نیز مشاهده می‌شد. بطور کلی مارکسیسم بسیار خام و ناپخته بود. یک موقع لنین می‌گفت آنتی‌دورینگ باید کتاب روی میز هر کارگر باشد. امروزه ما باید بگوییم آثاری همچون آنتی‌دورینگ باید کتاب روی میز هر رهبری باشد.

به عدم شناخت از مارکسیسم، انحرافات جنبش کمونیستی در سطح جهان را هم اضافه کنید تا ضرورت این تأکید روشنتر شود.

اینکه امروزه وظیفه هر کمونیست و هوادار کمونیسم و طبقه کارگر است که خود را به این علم کاملاً مجهز کند، عبارتی است که همه با آن آشنایم. تجربه هم نشان می‌دهد که بدون دانستن و آموختن مارکسیسم - حداقل در سطح پیشروان جنبش - صحبتی هم از شناخت علمی و صحیح مسایل جنبش و ارائه راه حل نمی‌تواند در میان باشد.

انتقاد از گذشته

با تأکید بر این ابزار شناخت آتوقت شعار دوم یعنی نقد علمی و انقلابی گذشته مطرح می‌شود.

از همان آغاز، گرایش انتقادی درون جنبش کمونیستی، هرچا که شکل گرفته، جوانه زده و بوجود آمده است، بی‌شک نطفه آن از سه شعار تأکید بر مارکسیسم، انتقاد از گذشته و اتکا به جنبش کارگری مایه گرفته است. این سه شعار که میشود گفت شعارهای مرحله آغازین بسیج مجدد نیروست، برزمینه شکست یکسری انقلابات پرولتری و درسهای این تجارب استوار است. لذا عملی نمودن صحیح این شعارها راه غلبه بر بحران و پراکندگی و انطباق خلاق مارکسیسم بر شرایط مشخص و متحول کنونی را هموار می‌سازد. شعارهاییکه واقعیات عینی آنها را در دستور کار کمونیستها قرار داده است. اما مفهوم این سه شعار چیست؟

۱) تأکید بر مارکسیسم، رجوع به مارکسیسم یا درک نوین از مارکسیسم بمثابة علم و نه شریعت جامد.

همه می‌دانیم که طی این سالها مارکسیسم وسیعاً مورد تعرض بورژوازی قرار گرفته و توسط روشنفکران خرده‌بورژوا تحریف شده است. اما تأکید ما جنبه سمبلیک و حمایتی در تقابل با این انحرافات و تحریفات ندارد، بلکه بر مبنای درک ماتریالیستی و دیالکتیکی از مارکسیسم و وقوف به نقطه قوت آن صورت می‌گیرد. تأکید بر آن مارکسیسمی است که از آموزش ما غایب بود.

واقعیت این است که تسلط یک دوره طولانی انحرافات عموم‌خلقی تأثیرات خود را بر جریانات احزاب و سازمانهای جنبش کمونیستی برجای گذاشته است. از مارکسیسم یا یک چیز دگم، خشک و بیروح ساخته شده و یا تئوری‌ای که گویا زیر چتر آن همه و هرگونه تفکر و بینش متضاد می‌تواند همزیستی داشته باشد. مارکسیسم اغلب بمثابة پوششی برای اعتراضات و رادیکالیسم اقشار و طبقات دیگر به کار گرفته می‌شود تا جهان‌بینی طبقه کارگر. به هرحال ما خواستار آن هستیم که از آنچه که

کماکان باقی خواهد ماند. طبیعتاً انجام موفقیت‌آمیز این مراحل نیاز به امکانات و تاکتیک‌هایی دارد که در ادامه این مقاله به آنها خواهیم پرداخت.

یدی ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱۳

سازماندهی برای اشاعه ایدئولوژی

سوسیالیستی...

هر طبقه و قشر، ایدئولوژی سوسیالیستی را به شیوه ای تبلیغ نمایند که قابل درک باشد. از واژه‌ها و اصطلاحات ساده، موجز و قابل درک استفاده کنند. سطح فرهنگ و اعتقادات توده‌ها را در تبلیغات خود در نظر داشته باشند و در یک کلام فاصله عظیم بین خود و کارگران و زحمتکشان را با آموزش سیاسی درست پر کنند. آنها نباید انتظار داشته باشند که کارگران و زحمتکشان به یکباره کلیه عناصر سوسیالیستی تبلیغاتشان را درک کنند. امر آموزش سیاسی، پروسه‌ای تدریجی است. از اینرو در هر کار آموزشی (برای مثال بخش اعلامیه) سعی کنند که صرفاً چند ایده مشخص را به قابل فهم‌ترین شیوه ممکن تبلیغ نمایند.

بدون تردید امر سازماندهی برای اشاعه ایدئولوژی سوسیالیستی در بین کارگران و توده‌ها کار آسانی نیست. اما پیروزی انقلاب اجتماعی ایران و تأمین هژمونی پرولتاریا در انقلاب به همین امر مهم وابسته است. تحقق این امر در گروی تلاش آگاهانه و جدی هزاران رزمنده و مبارز راه سوسیالیسم می‌باشد.

ر. افشار

نزدیک به یکصد سال است که جنبش سوسیال‌دموکراسی در ایران شکل گرفته و شروع به فعالیت کرده است. ما قیام عظیم بهمن و تجربه آن را پشت‌سر داریم. انحرافات، اشتباهات و خطاهای زیادی را تجربه کرده‌ایم. امروزه از جنبه‌های مثبت و دستاوردهای این دوران که بگذریم، باید از زاویه دید مارکسیستی و علمی ببینیم که علل و عوامل شکست‌ها و ضعفها کدامند. بدون ذره‌ای تعلل، تعصب و نأسف با یک دید وسیع و عمیق، تاریخ پرفراز و نشیب این جنبش را به بوته نقد بسپاریم. ببینیم کجای تئوریهایمان و اعمالمان اشتباه بوده و کجا درست بوده است. بدون بررسی این گذشته نه از یک برنامه عملی و قابل تحقق می‌توان حرف زد و نه از یک مبارزه شریخش خبری خواهد بود. این بررسی‌ها بمثابة چراغ راه آینده راه مارکسیسم و کمونیسم را بدون جنبش طبقه کارگر خواهد گشود؛ تحلیل‌های ما را از شرایط داخلی و جهانی از واقع‌بینی بیشتری برخوردار خواهد کرد.

اتکا به طبقه کارگر

اینکه زمینه کار مارکسیسم طبقه کارگر است، مارکسیسم جهانی‌بینی طبقه کارگر است و ما خود را جزئی از این طبقه و در امتزاج با آن می‌دانیم، بدین معنی است که عطای طبقات دیگر را به لقایشان بخشیده‌ایم. بدین وسیله و با درک و هضم این مهم، جمع ما حزب ما کلیه انحرافات از مبارزه طبقاتی را قاطعانه رد می‌کند؛ از احزاب غیرپرولتری انتقاد می‌کند؛ اس و اساس فعالیت خود را بر پایه مبارزه سیاسی واقعی و ناگزیر طبقه کارگر قرار می‌دهد.

سازماندهی این مبارزه، آگاهی دادن به آن، متحد ساختن آن، توضیح اهداف ضروری و نهایی آن، گسترش آن به سمت مبارزه در راه سوسیالیسم؛ چنین است وظایف ما که تحقق این سه شعار راه ما را بسمت آنها خواهد گشود و بدون گذار موفقیت‌آمیز از این مراحل خطر تداوم انحرافات - و بنابراین اشتباهات، ضعفها و شکستها -

پیرامون مضمون وظایف آتی

واقعیات موجود نشان میدهند که بسیج نیرو جهت بررسی انتقادی تجارب و درسهای انقلابات گذشته و آماده شدن برای انجام جدی وظایفی سترگ تنها راه انقلابی و عملی در شرایط کنونی می باشد.

اما برای رسیدن به این هدف بزرگ میباید استراتژی مبارزه خودمان را برپایه آن اصول و تاکتیکهایی قرار دهیم که ما را از پیچ و خم کوره راهها به سمت مقصد نهائی هدایت کند. رئوس این اصول بدرستی در گزارش کمیته هماهنگی در خطاب به رفقای شرکت کننده در نشست آگوست ذکر شده است. ما سعی میکنیم در پاسخ به سؤالات مطروحه زمینه بحث حول آنها را بگشاییم.

در گزارش رفقا این سؤالات به این شکل مطرح شده اند:

۱- ما که هستیم و به کدام طبقه اجتماعی تعلق داریم و اصول و اهداف استراتژیکمان کدام است؟

۲- استراتژی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بر چه پایه ای استوار است؟ پلاتفرم سیاسی و آلترناتیو پیشنهادی ما چیست؟

۳- اصول کلی تشکیلاتی ای که هم ناظر بر تنظیم مناسبات ما در حال حاضر و در چارچوب وظایف جاری بوده و هم جهت گیری ما را به سمت یک تشکیلات توده ای روشن کند، کدام است؟

در پاسخ به سؤال اول روشن است که کمونیستها در هر حال و شرایطی از منافع و مصالح عمومی طبقه کارگر حرکت می کنند. بقول مانیفست وجه تمایز کمونیستها با سایر احزاب پرولتری تنها در آن است که از یکسو در مبارزات پرولترهای ملتهای گوناگون، منافع مشترک مجموعه پرولتاریا را که به ملت بستگی ندارد برتر و معتبرتر می شمارند و از سوی دیگر در مراحل گوناگون گسترش مبارزه سیاسی پرولتاریا و بورژوازی، بیانگر منافع

جنبش در مجموع آن هستند. ایده کمونیسم و انقلابات اجتماعی طبقه کارگر دو مقوله جدانشدنی هستند. بنابراین وظیفه اصلی کمونیستها این است که طبقه خود را برای این انقلاب آماده کنند. علی الخصوص برای ما کمونیستهای ایران - که خواهان نقد گذشته و نوسازی و وحدت جنبش کمونیستی هستیم، در راه آن تلاش میکنیم و ضربات نظرات انحرافی گذشته را تجربه کرده ایم - تأکید بر منافع و مصالح مستقل جنبش کارگر و امتزاج هرچه بیشتر با این جنبش جزو وظایف و مسئولیتهای اولیه و همیشگیمان خواهد بود. یعنی اینکه ما برای پیروزی طبقه خود مبارزه میکنیم. اینکه در این مبارزه و در مراحل مختلف آن چه برنامه ها و تاکتیکهایی را اتخاذ خواهیم کرد، تماماً مشروط به این مسأله است. انحراف از این مسیر جز در غلطیدن به جنبشهای عموم خلقی - که دیگر دورانشان دارد به پایان میرسد - و گرفتار شدن در دور تسلسل انحرافات، اشکالات، ضعفها و شکستها نتیجه دیگری در بر نخواهد داشت. پس ما بطور ساده بیان میکنیم که از طبقه کارگریم، با این طبقه هستیم، در مبارزه طبقاتی، هرروزه از مصالح، منافع و خواستههای آن حرکت میکنیم.

در اینجا قسمت دوم سؤال مطرح می شود، اصول ما چیست و اهداف استراتژیکمان کدام است؟

ابتدا باید گفت سوسیالیسمی که ما به آن اعتقاد داریم سوسیالیسم علمی مارکس است. سوسیالیسم به مثابه علم و نه وحی منزل، بنابراین با هرگونه دگماتیسم، سکتاریسم، پنداریفی، مارکسیسم کتابی و... باید مرزبندی داشته باشیم.

ما آن تئوری علمی ای را راهنمای عمل خود قرار می دهیم که توسط مارکس و انگلس تدوین شده، توسط لنین و دیگر رهبران جنبش کمونیستی، طی بیش از صد سال مبارزه و

است که از طریق مبارزات کارگری-توده‌ای، تظاهرات، اعتصابات، حتی مبارزات توده‌ای مسلحانه، فعالیت سیاسی و دیپلماتیک در سطح جهان، پیش می‌رود، پخته می‌شود، آبدیده می‌گردد و زمینه آن آماده می‌شود. این امور باید بدرستی از یک زاویه دید مارکسیستی و علمی از طریق کمیسیونهای ویژه مورد تحقیق و ارزیابی قرار گیرند و ملزومات نظری و عملی آن فراهم گردد.

در بخش دیگر پاسخ به این سؤال باید روشن کرد که پلاتفرم سیاسی ما کدام است؟ در این بحث مهم هم باید پایه را به قطع رابطه با هر گونه انحراف رفرمیستی و عموم‌خلفی گذاشت و بطور قطع و آگاهانه با انواع جمهوری‌های رنگارنگ ملی، ملی-دموکراتیک، دموکراتیک خلق و... - که مخصوصاً به لحاظ منافع و مصالح طبقاتی آمال و آرزوهای بورژوازی رشد نیافته و ضعیف را نمایندگی می‌کردند و یا انعکاس آمال و آرزوهای روشنفکران خرده‌بورژوا برای دست یافتن به دموکراسی به منظور مشارکت در قدرت سیاسی و ایجاد جامعه مدنی بودند - قطع رابطه کرد.

البته این خواست در صورتیکه زیرپوشش مارکسیسم مطرح نمی‌شد، در جای خودش قابل تقدیر بود و هیچ ضرری هم به مبارزات سوسیالیستی و دموکراتیک نمی‌زد، اما این خواست با مبارزات سوسیالیستی و هدف جنبش طبقه کارگر یک دنیا فاصله دارد. صاحبان این افکار که اغلب خود را مارکسیست و ماتریالیست می‌پندارند، فی الواقع ماتریالیستهای مکانیکی‌ای هستند که - زیر چتر مارکسیسم - خود پدیدآورنده مبانی بحرانها، موانع تلفیق سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری، سد راه رشد و تکامل آموزشهای تئوری و تجربی مارکسیسم و جنبش کمونیستی محسوب می‌شوند.

تجربه پرفراز و نشیب، تکامل یافته است. خلاصه کلام، برقراری سوسیالیسم هدف استراتژیک و مرکزی ما مثل هر کمونیست دیگری است. برای هیچ هدف دیگری مبارزه نمی‌کنیم. بعبارت دیگر، شرکت در مبارزات سایر اقشار و طبقات زحمتکش مردم در هر سطح و شکلی که باشد، در جهت هدف اصلی معنا پیدا می‌کند. لذا از هرگونه مرحله-مرحله کردن انقلاب که محصول دوره رشدبطنی سرمایه داری و سلطه یک دوران طولانی تفکر ماتریالیسم مکانیکی و انحرافات اپورتونیستی خرده بورژوازی بر جنبش کمونیستی بود، پرهیز می‌کنیم...

دوم استراتژی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است که هدف پیش پای مبارزه ما را تشکیل می‌دهد که بدرستی به دو بخش استراتژی و پلاتفرم سیاسی تقسیم شده است. تردیدی نیست که در تدوین استراتژی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است که اشکال سازماندهی، روشها و تاکتیکهای بیشمار ضرورت می‌یابد که باید به تحلیلهای کاملاً نوین از توازن نیروها، وضعیت جامعه، اوضاع بین‌المللی و سطح جنبش طبقه کارگر دست یافت و دهها پارامتر دیگر را در نظر گرفت. هرچند از قبل نمی‌توان شکل و سطح بروز مبارزات و تاکتیکهای مرتبط به آن را در جزئیات تعیین کرد، اما با تعیین اشکال عمده، راه صحیح تعیین تاکتیکها و سمت و سوی آنها معین می‌شود. این اشکال عمومی میباید با تجزیه و تحلیل دقیق اوضاع اقتصادی-اجتماعی، اشکال و سطح مبارزات کارگران و زحمتکشان جامعه، صف بندی نیروهای سیاسی-طبقاتی، اوضاع جهانی و... تدقیق گردد. بنظر می‌رسد با توجه به ساختار اقتصادی اجتماعی ایران و با توجه به روند شکل گیری نیروهای اجتماعی و خصلت رژیم سیاسی، اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه

دگرگونی اجتماعی و برقراری سوسیالیسم دور نمی‌گرداند، جنبش کمونیستی را اسیر نوسانات لحظه‌ای و دنباله‌روی از منافع و تمایلات دیگران نمی‌کند، و از درغلطیدن به منجلاب جنبشهای عموم‌خلفی که تا کنون جز شکست و از دست دادن نیرو، اعتبار و... ثمری در بر نداشته باز می‌دارد. پلاتفرم سیاسی منتشر شده مبنای درستی برای تدقیق این موضوع است.

اما پاسخ ما به آخرین سؤال یعنی اصول تشکیلاتی ای که هم ناظر به تنظیم مناسبات ما در حال حاضر و در چارچوب وظایف جاری بوده و هم جهت‌گیری ما را به سمت یک تشکیلات توده‌ای روشن می‌کند، کدام است؟

طبعاً اصول تشکیلاتی ناظر بر یک چنین اهدافی کاملاً با اصول و موازین تشکیلاتهای قبلی که از حاکمیت روح تفکرات عقب‌مانده خرده‌بورژوازی و عموم‌خلفی رنج می‌برد، مجزا خواهد بود. از یک طرف شرکت آگاهانه و آزادانه افراد با حقوقی کاملاً برابر و از طرف دیگر سانترالیسم دموکراتیک بطوریکه دموکراسی در درون آن به یک امر نهادی تبدیل شود، پایه‌های بنیادی دید ما نسبت به مسئله اصول تشکیلاتی است. اساسنامه و اصول تشکیلاتی باید آنچنان باشند که در آن اعضا با حقوق برابر از امورات تشکیلات و فعالیت خود باخبر باشند. اصول مخفی‌کاری و سختیهای مبارزه با رژیم و ضرورت انضباط آگاهانه نباید بهانه‌ای در دست بوروکراتها شود، بلکه اصول تشکیلاتی باید بوسیله مشارکت، نظر و تصمیم خود اعضا و بشکل آگاهانه مورد پذیرش قرار گیرد. این اصول تشکیلاتی برای باندبازی، محفلیسم و بوروکراتیسم جایی ندارد. لازم است با اشتباهات و انحرافات با فرهنگی دموکراتیک و آگاهگرانه و از طریق مبارزه ایدئولوژیک برخورد شود. مسؤولیت متقابل نسبت به حیثیت افراد و مسایل و مشکلات آنها جاری

به هر حال، به نظر ما، باید برای آترناتیوی تبلیغ و ترویج کنیم و آنرا در برابر اجزاب، جناح‌بندیها و جبهه‌های مختلف اقشار و طبقات دیگر اثبات کنیم و به کرسی بنشانیم که مستقیماً با اهداف جنبش کارگری گره خورده باشد. مسأله قدرت سیاسی را به نفع اکثریت جامعه، و در رأس آن طبقه کارگر، حل کند. اگر یک چنین موضعی در مقابل حاکمیت اقلیت جامعه و در برابر طبقات دیگر و فراتر از آن در سطح جهان حقانیت دارد و ما قادر به مدلل کردن آن هستیم (و با اعجوبات غیرقابل دفاع سر و کار نداریم) چرا نباید برایش مبارزه کرد؟ کار کرد؟ تلاش کرد و آنرا به کرسی نشاند؟ چرا باید درمقابل طبقات بورژوا و خرده‌بورژوا که (بحمدلله!) دارند صاحب دفتر و دستک و حزبی برای خودشان می‌شوند، لنگ انداخت؟

به هر حال ما یک چنین آترناتیوی را برای شرایط ایران، صاف و ساده حکومت شورایی می‌دانیم که حامل وسیعترین و عالیترین دموکراسی برای جامعه است. حکومت شورایی در عین حال مبارزات طبقه کارگر را از هدف

«وجه تمایز کمونیستها با دیگر احزاب

پرولتری تنها در این است که از طرفی،

کمونیستها در مبارزات پرولترهای ملل

گوناگون منافع مشترک همه پرولتاریا را

صرف‌نظر از منافع ملیشان در مد نظر

قرار می‌دهند و از آن دفاع می‌کنند و از

طرف دیگر در مراحل گوناگون رشد و

گسترش مبارزه پرولتاریا با بورژوازی

بیانگر منافع جنبش در مجموع آن هستند.»

مانیفست حزب کمونیست

مضمون و ضلایف آتی...

از تداوم سبک کاری که وی را از محیط کار و مبارزه اش جدا می کرد و میان زمین و آسمان سرگردانش می کرد. حزبی که بتواند به آن بپیوندد و هر گاه نظر مخالفی داشت، آزادانه ابراز نماید. اگر هم نخواست، آزادانه از آن خارج شود. سیستمی می خواهیم که با بوروکراتیسم و تحجراندیشی گذشته و با محفلیسم و لیبرالیسم آنها مرزبندی داشته باشد، مکانیزمهایی را پیش بینی کند که از شکل گیری رهبریهای مادام العمر جلوگیری بعمل آورد، به شکوفایی کادرها کمک کند، اختلاف نظر و عقیده را در چارچوب هدف سوسیالیسم و کمونیسم به رسمیت بشناسد و مبارزه نظرگاهها را - که برای تکامل یک تشکیلات امریست ضروری - به یک پرنسپ و نهاد قابل قبول و جاافتاده تبدیل کند. ما باید به تدوین چنان اصول برنامه ای، استراتژی و تاکتیک و فرم تشکیلاتی ای مبادرت کنیم که مضمون فوق را در بر داشته باشد.

ادامه دارد

یدی

باشد. در گذشته شاهد بودیم که حق و حقوق فعالینی که هم اساسنامه را قبول داشتند، هم برنامه را می پذیرفتند و هم در راهش مبارزه می کردند، تحت عناوین مختلف نظیر هوادار و غیره ضایع می شد. بودند افرادی که علی رغم بیش از ده پانزده سال فعالیت بخاطر «هوادار» بودن هنوز از حقوق مساوی با دیگر اعضا برخوردار نبودند. این تفکرات باید جاروب شوند. ما خواهان آنیم که چارچوب تشکیلاتی ای طرح ریزی شود، که برای هر کارگر پیشرو و هر روشنفکر کمونیستی این امکان را فراهم کند تا بخشی از نیروی فکری و عملی خود را در راه هدف مبارزاتیش و در درون حزبش بکار اندازد. حزبی که نظراتش را به خود نزدیک می داند، آنرا می پذیرد، در آن وارد می شود و مبارزه می کند و در ساختمان آن، در سیاست آن، در برنامه ریزی آن و در رهبری آن مشارکت دارد، بدون وا همه از گیر و گرفتهای سابق و بدون ترس

اطلاعیه!

از آنجا که پراکندگی اسناد، انتشارات و مباحث سازمان امکان دسترسی فعالین جنبش و محققین را به این آثار دشوار کرده است، ما با ایجاد مرکزی برای نگهداری اسناد تلاش می کنیم تا مجموعه این آثار را در این مرکز گردآورده و در اختیار مطالعه کنندگان و علاقه مندان قرار دهیم. ازینرو از همه رفقا و دوستان و نیز نیروهایی که خود را به این طیف نزدیک می دانند می خواهیم که چنانچه سندی کتبی، بحثی، کتابی، نشریه ای و یا فیلم و نوار و اسلایدی در اختیار دارند حداقل یک نسخه از آنرا به آدرس ما بفرستند. مخارج ارسال آنرا مرکز جمع آوری اسناد پرداخت خواهد نمود.

آدرس بست الکترونیکی:

آدرس پستی در آلمان:

E-mail:ircmove@algonet.se

Fedayi

Postlagerkarte nr 100965c

37030 Gottingen

Germany

کمیته هماهنگی

آدرس پستی در اسکندیناوی:

Fedayi

Box 19099

200 73 Malmo

Sweden

این شماره تلفن تنها روزهای شنبه از ساعت ۱۵ الی ۱۸ در اختیار کمیته

(+۴۶/۰۷۰/۷۳۱۲۷۸۴)

هماهنگی است!

ضرورت وجودی مرکز آژانس خبری بین‌المللی

«آپوستروف»

در دورانی بسر می‌بریم که هنگام جنگ خلیج سی‌ان‌ان CNN را مجانی برای خلائق پخش کردند تا بتوانند از نظر ذهنی افکار را آماده کرده و قدر قدرتی آمریکایی را که نشان توانایی بسیج کشورهای پنج‌قاره را در جنگ با عراق به سینه دارد، تضمین کنند و از نظر خودشان اثبات کنند که سرمایه آمریکایی و یا سرمایه بطور کلی است که می‌تواند فرمانروای روی زمین باشد.

در دوران اولیه بعد از انقلاب اکتبر اهمیت واقعی به موضوعات تکنیکی و هنری و تبلیغاتی داده شد. بطور مثال و خصوصاً در مورد سینما، یکی از دلایل پیشرفت و تأثیر مخرب سرمایه‌داری در دوره بعد از آن هم فقدان و یا کمبود تبلیغات جدی سوسیالیستی در قلب کشورهای سرمایه‌داری به ویژه ایالات متحده و اروپای غربی بود.

اگر فقط نیم‌نگاهی به نشریات چپ خودمان بیاندازید، به مقایسه سریعی دست می‌یازید. به چه تفاوت آسمان و زمینی‌ای نسبت به مثلاً نیوزویک، تایم، اشیپگل، یا هفته‌نامه‌های بیشمار و رنگارنگ سرمایه‌برمی‌خورید: نشریات و مجلات مختلف از قبیل ورزشی، فیلم، ویدئو، سلاح، سکسی، موزیک، عکس، فکاهی، گرافیک و... که هرکدامشان از کوچکترین عکس، طریقه صفحه‌بندی، طریقه قرار گرفتن کلمات در کنار همدیگر و صدها نکته ریز و درشت دیگر سوءاستفاده می‌کنند.

تاوقتی که شرایط مبارزه و ابزار مبارزه هرچقدر نابرابرتر باشد، موقعیت برتر سرمایه‌داری به قوت خودش باقی خواهد ماند. برای این مبارزان تبلیغاتی و خبری باید تا حد ممکن جایگزینی پیدا کرد.

در این دنیای اطلاعاتی و کامپیوتری در جایی که دشمنان ما از پیشرفته‌ترین سلاحهای گرم جاسوسی و مخابراتی سوءاستفاده را می‌کنند، از ماهواره‌های جاسوسی، غیرجاسوسی، کابل‌های تلویزیون، هالیوود، خبرگزاری‌هایی که فقط مختص خودشان است و بس، ده‌ها هزار روزنامه و مجله با تیراژ میلیونی، بودجه‌های کلان فرهنگی برای تحت‌کنترل داشتن مغز افراد از قبیل باله، تئاتر، رقص و... استفاده کامل از رنگها، روانشناسی مزدور آژانسهای تبلیغاتی، بانکهای عکس همه و همه برای تشخیص و جهت دادن خطای عموم و جلوگیری از پیشرفت و عقب‌نگه داشتن سطح توقعات است.

با تمام ابزارهای نامبرده فوق چپ ما کاری ندارد و بنظر می‌آید که قرار هم نیست که در آینده‌ای نزدیک سر و کار پیدا کند. حال بینیم ما که خود را چپ می‌دانیم و مدعی برنامه‌ریزی و پیش‌بینی می‌باشیم، در کجا قرار داریم. به نظر می‌رسد در برهوتی گیر کرده‌ایم.

برای رفع این کمبودها که متأسفانه زیاد هم کوچک نیست، باید الان شروع کرد. اما این صورت سؤال است و حال راه‌حل آن.

طبیعی است که قسمت عمده‌ای از خواسته‌های بالا را بزودی نمی‌توان فراهم کرد. اما بزرگترین شرط برای رفع کمبود، درک و حس ضرورت و احتیاج به آنهاست که می‌تواند بزرگترین انگیزه برای بحرکت درآوردن نیروهای چپ منفرد و گروههای کوچک پراکنده و بی‌ارتباط با هم چپ ایرانی برای شروع باشد.

مرکز آژانس خبری بین‌المللی

آغاز عملی است برای از بین بردن فاصله‌های زمانی، مکانی، تکنیکی و صرفه‌جویی در وقت و انرژی هزاران چپ منفرد که برای اولین دفعه خود را در موقعیتی می‌بینند که نقطه‌ای را برای اتکا دارند و می‌توانند هر آن و لحظه به این مرکز مراجعه کرده، به آن اخبار محلی و قاره‌ای دهند و از آن این اخبار را دریافت کنند. به این مرکز عکس، طرح، بروشور، کاتالوگ و آدرسهای ضروری را تحویل داد و گرفت که شاید برای بدست آوردن هرکدامشان احتیاج به سالها دوندگی باشد.

این‌دفعه دیگر برای اولین بار نمی‌گوییم که بیایم کاری بکنیم، بلکه عمل می‌کنیم! سوسیالیسم یعنی همکاری. معنیش رقابت نیست که متأسفانه در این نقطه زمانی رقابت بین ما تا با سرمایه‌داری نسبتش بیشتر است.

ما که تک تک خود را سوسیالیست می‌دانیم و می‌نامیم این بار بیاری هم این پروژه را بدست گرفته و به احتیاجهای خودمان هم واقفیم و در جهت حل این احتیاجها بطور متداول پیش می‌رویم. این می‌تواند شروعی برای همکاریهای دور از انتظار آینده باشد. آینده‌ای نزدیک که می‌تواند افراد هرچه بیشتری را حول این بولتن، حول جنبش چپ رادیکال کارگری، و حول جنبش کمونیستی گرد آورد و گره‌ای از پراکندگی جنبش باز کند.

برای شروع در صفحه آخر بولتن شماره تماس با اینترنت، فکس، تلفن، تماس مستقیم و آدرس‌ها به شما معرفی می‌شود که از طریق آن می‌توانیم به سریعترین شکل ممکن و در بیشترین زمان در تماس با همدیگر باشیم. تمام رفقا اعم از افراد، هسته‌ها، محافل و گروههایی که به ضرورت این امر پی برده باشند، می‌توانند در این تلاش سهیم و به مبادله اخبار محلی و کشوری و حتی ابعاد بزرگتر بپردازند و بطور مرتب، منظم و مستمر تمام اخبار مبارزاتی و یا هر موضوع ضروری از نظر خودشان را به این مرکز بفرستند و این مرکز هم بطور متقابل موضوعات دریافتی را از دیگر نقاط جهان در اختیار همگان قرار خواهد داد. امکانات محدود نیست! مبادلات می‌تواند علاوه بر گزارشات و نظرات شامل فیلم، ترانه، عکس، طرح، اسلاید، آدرسهای ارتباطی یا محافل و سازمانهای مختلف چپ و یا هر پروژه دیگری که

درباره قطعنامه‌های پیشنهادی

این قطعنامه‌ها توسط تعدادی از رفقا تهیه شده تا در نشست آتی روی آنها بحث و تصمیم‌گیری شود. ما از سایر رفقا نیز می‌خواهیم اگر چنانچه قطعنامه‌ها و پیشنهادات دیگری برای تصویب در نشست دارند و یا اصلاحیه‌هایی نسبت به قطعنامه‌های پیشنهادی دارند، برای درج در بولتن ارسال کنند.

قبل از تصمیمات مهم برنامه‌ای ما باید با ازدیاد تیراژ نشریه و توزیع وسیعتر آن از یکسو و برگزاری جلسات بحث و گفتگو، سمینارهای مشترک، اعزام نمایندگان به مناطق مختلف، رفقای دیگر و سایر کمونیستها و فعالین جنبش را در جریان اهداف، مباحث و فعالیت‌هایمان قرار دهیم. پیشرفت امور و موانع راه را با آنها در میان بگذاریم و امکان مشارکت آنها را در مباحث و تصمیم‌گیری‌ها فراهم کنیم. جنبش کمونیستی و کارگری بعد از تحمل شکست‌های سنگینی می‌رود تا به ماتریالیسم مکانیکی، مارکسیسم کتابی، دگماتیسم، سکتاریسم، یکجانبه‌نگری و... فائق آید. برنامه و اساسنامه نیز می‌باید از بقایای انحرافات گذشته پاک گردد تا پایه‌های حقیقتاً محکم و بادوامی را برای تاکتیک‌های آتی فراهم سازد. تاکتیک‌هایی که هم قدرت سیاسی را به نفع طبقه کارگر و اهداف آن حل کند و هم دگرگونی اجتماعی را متحقق سازد.

قطعنامه پیرامون نوسازی و ساخت غیرعلنی

نظر به نتایج شکست جنبش انقلابی و اقامت طولانی مدت نیروهای چپ در خارج کشور، رواج اپورتونیسم، انحلال‌طلبی و گرایش به فعالیت علنی به هر قیمت که به وجه مشخصه جریان‌ات و فعالین جنبش در خارج کشور تبدیل شده است و نیز باتوجه به اینکه عدم توجه و حساسیت لازم در قبال این وضعیت می‌تواند به امر بازسازی و شکل‌گیری یک تشکیلات رزمنده لطمه بزند، لذا:

نشست ضمن تأکید بر هرگونه استفاده از فعالیت علنی در شرایط علنی - بویژه در

درآستانه برگزاری نشست بعدی هستیم. طبیعتاً در این نشست پیرامون مسائل مختلفی نظیر بررسی وظایف انجام شده، تعیین چشم انداز آتی حرکت و وظایف مربوط به آن بحث و تصمیم‌گیری خواهد شد. انتظار این است که پیرامون برخی مسایل نظری و عملی نیز تصمیماتی اتخاذ شود. این تصمیمات در صورتی یک گام به پیش خواهد بود که بر واقع‌بینی علمی و نقد انحرافات و اشتباهات گذشته استوار باشد. متقابلاً آلودگی به انحرافات گذشته و روش‌های پراگماتیستی، به تصمیمات عجولانه و غیرعملی و بدور از واقعیات منجر خواهد شد. در این رابطه با در نظر گرفتن قدم‌های برداشته شده، ظرفیت نیروها و سطح فعلی تکامل حرکت، یک سری قطعنامه‌هایی را - که بیشتر جنبه تاکتیکی دارند - تهیه کرده‌ایم که به این وسیله پیشنهاد می‌شوند تا حول آنها بحث شده و تکمیل و اصلاح گردند. تصویب این قطعنامه‌ها، سایر قطعنامه‌های تکمیلی و طرح‌های پیشنهادی در نشست آینده - و عمل به آنها - یک گام دیگر به پیش خواهد بود. این توضیح را لازم میدانیم که بنظر ما تصمیم‌گیری حول یک برنامه و اساسنامه حزبی در شرایط فعلی یک تصمیم عجولانه خواهد بود که نه با واقعیات وجودی ما در حال حاضر و نه روند حرکت، همخوانی دارد. ما نه تنها باندازه کافی حول مبانی برنامه‌ای و اساسنامه‌ای بحث نکرده‌ایم، که در توزیع وسیع نشریات و تشریح نظراتمان هم دچار کمبودها و ضعف‌های بسیاری هستیم. هنوز نشریات ما با وجود تیراژ نسبتاً خوب به دست خیلی از رفقای خودمان هم نمی‌رسد. در رابطه با داخل کشور اقدامات لازم برای رساندن نشریات به محافل کارگران پیشرو، روشنفکران و... صورت نگرفته و یا هنوز در مراحل اولیه است. از طرفی ما در حال نقد دیدگاه‌ها، انحرافات و اشتباهات گذشته هستیم. دیدگاه‌های جدید هنوز شکافته نشده است. این وظایف با کار و کوشش، احساس مسئولیت و بدور از هر گونه بزرگ‌نمایی و توهم‌پراکنی قابل انجام است. از همه اینها گذشته

ج) و اتکا به جنبش کارگری به منظور قرار دادن پایه فعالیت سوسیالیستی بر مبنای مبارزه طبقاتی،
د) و تأکید بر تشکیلات مخفی و شرکت در آن

را می‌پذیرند. بنابراین نشست از هرگونه تلاش و حرکتی در این جهت حمایت و پشتیبانی می‌کند.

۲) نشست توصیه می‌کند در سازماندهی مباحثات و مبارزات مشترک (در هر سطحی که بوده باشد) از بکارگیری مناسبات، سبک کار، تاکتیکها و روش‌های برخوردی ای که در گذشته ناصحیح، زیانبار و غیردموکراتیک بودن آنها ثابت شده است و از طرف جریان مارکسیستی و انتقادی به بوته نقد سپرده شده، و می‌شود، امتناع گردد. تحول اساسی در وضعیت فعلی به نفع جنبش کمونیستی و کارگری نیاز به تبادل نظر و وحدت کمونیستها

دارد. با توجه به تحولات سالهای اخیر و وجود انحرافات وضعفها و بی‌اعتمادیهای گذشته بدون مباحثه، مناظره و کار و تلاش جمعی نمی‌توان به مسایل و نیازهای جنبش پاسخ داد. در این مباحثات تحمل نظرات مخالف، تعمق در نظرات مخالف و بوجود آوردن و جاری ساختن دیالوگ رفیقانه جهت یافتن واقعیات، می‌باید اساس این همکاری، مبارزه و مباحثه را تشکیل دهد.

۳) نشست به ارگان منتخب خود توصیه می‌کند در پیشبرد این پروسه آنچنان مکانیزم‌ها، روش‌ها و تاکتیکهایی را اتخاذ کند که به اصول فوق بویژه دموکراتیک، آگاهانه، و آزادانه بودن مباحثات لطمه نزده و هر کمونیستی این امکان را داشته باشد که تجربیات، آموخته‌ها و نظرگاه‌های خود را مطرح و نقش خود را در حل مسایل جنبش و ساختمان حزب متحد آینده ایفا نماید.

خارج کشور - و تشویق به شرکت در تشکلهای دموکراتیک و توده‌ای، رفقا را از هرگونه خوش‌باوری نسبت به نتایج شرکت جدی در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی که نه تنها در داخل بلکه در اقصی نقاط جهان با شیوه‌های نفوذی و تروریستی عرصه را به مخالفین خود تنگ کرده است، بر حذر می‌دارد. ازینرو نشست با تأکید بر ساخت غیرعلنی در شریط کنونی توصیه می‌کند تا در سازماندهی مباحثات، مبارزات و همکاریهای مشترک و در کلیه فعالیت‌های ارتباطاتی، تکنیکی، انتشاراتی و غیره مسایل امنیتی را رعایت کرده، خود را در مقابل تجهیزات و مأموران کارکشته رژیم مجهز و آماده نمایند و حداقل امکان با تلفیق کار مخفی و علنی جلوی نفوذ و خرابکاری مأموران رژیم را سد کنند.

قطعه‌نامه پیرامون مبانی و پروسه

همگرایی نیروهای جنبش

نظر به پراکندگی نیروهای سازمان و فعالیت آنها به شکل گروه‌ها، محافل، جریان‌ات و عناصر منفرد و باتوجه به شکل و سطح تکامل نظرگاههای مارکسیستی، انتقادی و... در درون این جریان‌ات و سایر گروهها، سازمانها، محافل روشنفکری کارگری و افراد و عناصر منفرد:

۱) نشست بر این باور است که تلاش برای همگرایی نظری و سازماندهی مباحثات و کوشش‌های مشترک جهت وحدت کلیه گروه‌ها، جریان‌ات، محافل و افراد کمونیست یک ضرورت مطلق است که منافع جنبش طبقه کارگر در شرایط کنونی آنرا دیکته می‌کند. مشخصه این نیروها این است که:

الف) اصل مارکسیسم بعنوان جهانبینی و

تکیه گاه علمی طبقه کارگر،

ب) و انتقاد از گذشته بخاطر آموزش از تجربیات آن و مرزبندی با انحرافات درون جنبش کمونیستی،

انقلابی، عناصر و محافل پراکنده در حال بیدار شدن است،

و همچنین نظر به اینکه وجود یک سیستم مخفی برای سراسر ایران و بمنظور آغاز فعالیت عملی بر مبنای پلاتفرم سیاسی و سایر مصوبات نشست مطلقاً ضروریست،

نشست به نهاد منتخب خود توصیه می‌کند تا در تقسیم کارها و اختصاص نیرو و امکانات مادی و معنوی مسأله سازماندهی فعالیت تکنیکی و عملی و نظری در داخل کشور را در اولویت وظایف خود قرار دهد.

همچنین نشست از کلیه رفقا، همکاران و فعالین می‌خواهد تا با رعایت کامل مسایل امنیتی در تهیه امکانات تدارکاتی، ارتباطی، تبلیغ و توزیع ممکن در حد ممکن به بخشهای مربوطه کمک کنند و یا در تهیه امکانات و ایجاد ارتباط مستقلاً تلاش ورزند.

قطعه‌نامه پیرامون همکاری با سایر نیروهای جنبش کمونیستی

با توجه به خصوصیات هر دم رشدیابنده نظر گاههای مارکسیستی، انتقادی و انقلابی در جریانات، احزاب، سازمانها، محافل و...

*نشست توصیه می‌کند تا همکاری و مذاکره با تمام گروهها، محافل، افراد و جریانات مختلف که بشکل پراکنده فعالیت می‌کنند و یا خواستار همکاری هستند، آغاز شود و در صورتیکه با رئوس کلی نظر گاههای ما پیرامون اتکاء به مارکسیسم، انتقاد از گذشته و امتزاج با جنبش کارگری موافقت، تلاش برای نوسازی و

قطعه‌نامه پیرامون سازماندهی مبارزات ایدئولوژیک

الف: نظر به اینکه هرچه گسترده‌تر و زنده‌تر بودن مباحثات هم جمع‌بندی دموکراتیک آراء و نظرات را تسهیل می‌کند و هم آشنایی نزدیک‌تر افراد با همدیگر و تبادل نظر و انسجام فکری بیشتر آنها را امکان‌پذیر سازد، نشست توصیه می‌کند که

الف: در خارج از کشور سمینارها و جلسات شهری، منطقه‌ای و کشوری برگزار شود و کوشش بعمل آید تا کلیه رفقای فعال نمایندگان، محافل و سازمانها و یا آنهایکه قبلاً با سازمان همکاری داشته‌اند و یا داوطلب همکاری هستند، در این مجامع دعوت شوند و گرد هم آیند و در صورتیکه موافق روند جاری هستند، نظرات، پیشنهادات و طرح‌های خود را پیرامون بازسازی و اتحاد اعلام دارند.

ب: برای داخل کشور نیز ضرورت دارد تا ارگانه‌های منتخب از طریق ایجاد امکانات تبلیغی و ترویجی و سازماندهی امکانات مخفی، مباحث را در اختیار رفقا در محافل کارگران پیشرو و روشنفکران و سایر جریانات قرار دهند و با رعایت کامل مسایل امنیتی امکان مشارکت آنان در این مباحث را فراهم سازند.

ج: جمع‌بندی مباحث نظری حداقل دوماه قبل از نشست تکثیر و در اختیار همه رفقا قرار گیرد.

قطعه‌نامه پیرامون مسأله تبلیغات و فعالیت مخفی در داخل

نظر به اینکه شرایط آگاهی و جهت‌گیری بسوی تمرکز نیروهای طرفدار کمونیسم و تقویت روحیه وحدت حزبی در میان کارگران پیشرو و روشنفکران

قطعه‌نامه‌های پیشنهادی...

فعالیت‌های وحدت‌طلبانه را نظراً و عملاً هماهنگ کنند.

* مذاکره و تبادل نظر نمایندگان شورای منتخب با سایر جریان‌ها و محافل کمونیستی و افرادی که خود را در این روند هم‌نظر می‌دانند، و مایل به شرکت در این پروسه هستند، بلامانع است و هر سازمان، گروه، فراکسیون، و محفلی که خود را با نظرگاه‌های ما نزدیک می‌داند می‌تواند با حقوق برابر فعالیت‌های خود را برای وحدت جنبش کمونیستی هماهنگ کند.

حزبی کمونیست‌ها را هم در اولویت برنامه خود دارند، پیشنهاد شود تا با انتشار بولتنی تئوریک در درون اتحادچپ پیرامون موانع وحدت حزبی خود به مباحثه بپردازند.

* نشست پیشنهاد می‌کند بعد از توافق روی پلاتفرم بجای بولتن اتحادچپ نشریه‌ای سیاسی تحت نام «صدای کارگر» که منعکس‌کننده تحلیل‌های سیاسی و فعالیت‌های نظری و اخبار جنبش کارگری از سوی اتحادچپ کارگری است، را منتشر سازد.

* از طرفی نیروهایی که وحدت حزبی را در دستور دارند، نشریه‌ای تحت نام «کمونیست» منتشر کنند که تنها به انعکاس نظرات تئوریک افراد و جریان‌ها بپردازد.

قطعه‌نامه پیرامون اتحادچپ

نظربه اینکه اتحادچپ کارگری هم بدلیل تناقضات درون خودش و هم بدلیل فقدان استراتژی معین و رهبری قوی دارد از اهداف خودش دور و به یک نیرو و جریان ایستا تبدیل می‌شود، لذا نشست توصیه می‌کند تا فعالیت درون اتحادچپ بر اساس برنامه زیر تشدید شود:

* به تشکیل بلوکی از کمونیست‌ها و نیز نیروهایی که به حکومت شورایی معتقدند، اقدام شود.
* پلاتفرم پیشنهادی به نشست اولیه به بحث جدی و تصمیم‌گیری گذاشته شود.
براین پایه که

* جریان چپ کارگری و رادیکال حول پلاتفرم مزبور متحد شده و با تعیین شکل تشکیلاتی و تاکتیک‌های عملی مبارزه حول آنرا سازمان دهد و توافقات بالاتر را به مبارزه ایدئولوژیک واگذارد.

* در عین حال به آن دسته از نیروها و افرادی که ضمن حضور در اتحادچپ کارگری، وحدت

قطعه‌نامه پیرامون تدارک برای انجام وظایف انترناسیونالیستی

نظر به اینکه: اعتقاد به انترناسیونالیسم پرولتری و مبارزه عملی حول آن یکی از وظایف روزمره و همیشگی جنبش کمونیستی و کارگریست، نشست پیشنهاد می‌کند تا تدوین و تصویب اصول برنامه‌ای و وظایف عملی در این رابطه، ارگان منتخب نشست و تمامی اعضا ضمن جاری ساختن سیاست انترناسیونالیستی، شرکت و حمایت از جنبش‌های کارگری و کمونیستی در سراسر جهان، تماس با احزاب و سازمان‌های مربوط و همگرا را در دستور کار خود قرار دهند و در نوسازی، اتحاد و سازماندهی یک قطب جهانی مشارکت کنند.

طرح پیشنهادی برای نشست آتی

از طرف کمیته هماهنگی در سوت
و تعدادی از فعالین و کادرهای
طنیف اقلیت.

و کار مداوم برای ایجاد مناسبات نزدیک با رفقایمان در داخل و کشورهای خارج برقرار نکرده‌ایم. بسیاری از کادرها یا در جریان مباحثات قرار نگرفته‌اند و یا هنوز اعتماد کافی بدست نیاورده‌اند. برای تدوین هرگونه چارچوب برنامه‌ای و اساسنامه‌ای نیاز به میزان معینی از سازماندهی و کارجمعی بویژه در ارتباط با داخل کشور ضرورت دارد.

اینها همه وظایفی است که پیشاروی ما قرار دارند. انکار نمی‌توان کرد که برای انجام حداقل کارها هم به حد معینی از توافقات نیاز است.

بنظر ما این توافقات با حرکت از مبانی زیر قابل حصول است:

* ما کمونیستیم و برای پیروزی طبقه کارگر و برای جامعه سوسیالیستی و کمونیستی مبارزه می‌کنیم، نه چیز دیگری!

* ما جنبه انتقادی مارکسیسم را بویژه در شرایط فعلی برجسته می‌دانیم. یعنی معتقدیم که بدون انتقادی جدی و علمی از راه رفته شده، ترسیم چشم‌انداز آتی و رسیدن به تئوری و تاکتیک‌های علمی و واقعی هم غیرممکن خواهد بود.

* ما خود را متکی به جنبش کارگری می‌دانیم. به عبارت صحیح‌تر ما در مبارزه طبقاتی‌ای که شاهدش هستیم، خود را در صف کارگران می‌بینیم.

اما برای حل معضل دیگر یعنی عدم معینی از فعالیت عملی (که هم‌اکنون هم بدون هیچ سند و توافقنامه‌ای پیش می‌رود، چرا که مبارزات فعلی در حوزه فعالیت ما از حد مبارزات دموکراتیک فراتر نمی‌رود) پلاتفرمی که همراه تحلیل مختصر مورد توافق نشست جمعی قرار گرفته و در بولتن بحث اتحادچپ هم منتشر شده، می‌تواند مبنای فعالیت سیاسی طی دو نشست قرار گیرد.

مجموعه منسجمی از یک چنین توافقاتی، موقتاً، هم امکان فعالیت عملی و نظری و سازماندهی و تقسیم کار متناسب را ممکن می‌سازد، و هم امکان مشارکت نظری و حق

رفقا! نشست دوم در پیش است. انتظار می‌رود با برگزاری این نشست در رابطه با اهداف تعیین شده یک گام به جلو برداشته باشیم. این «یک گام به جلو» قاعدتاً از جمله ناظر بر توافقات ما حول مسایل برنامه‌ای و اساسنامه‌ای خواهد بود و مسلماً پاره‌ای از تاکتیک‌های عملی و تدارکاتی و سازماندهی متناسب با وظایفی که تعیین می‌شود نیز جایگاه ویژه خود را دارند تا در فاصله دو نشست فعالیت بالنسبه جدی و ثمربخشی را داشته باشیم.

آنچه مسلم است، موقعیت کمی و کیفی ما در لحظه حاضر امکان تدوین برنامه و اساسنامه متناظر با فعالیت حزبی را منتفی می‌سازد. همانطور که داشتن «برنامه» و «اساسنامه» بظاهر حزبی برای محافل و گروههایی که نه استخوانبندی تشکیلاتیشان یک استخوانبندی حزبی است و نه مضمون واقعی فعالیت‌هایشان با اصول برنامه‌ای و حزبشان منطبق است، مشکلی از مشکلات جنبش و بویژه خود این گروهها را حل نموده است، تدوین برنامه با روشهای مشابه برای ما نیز جز تکرار اشتباهات گذشته ثمری دربر نخواهد داشت. از آن گذشته تدوین با شتاب برنامه و اساسنامه با سبک‌کار و متد مارکسیستی و انتقادی ما مغایر است.

درست است که برای هیچکدام از فعالین سازمان و جنبش بحث برنامه و اساسنامه تازگی ندارد و هر فرد و محفل و گروهی دارای باصلاح برنامه و اساسنامه است، اما داشتن اینگونه برنامه‌ها و اساسنامه‌ها (که گویی برای خاک خوردن در قفسه‌ها تدوین شده‌اند) با برنامه و اساسنامه‌ای که از واقعیات اجتماعی و روند مبارزه طبقاتی و سطح این مبارزات ناشی شده و دارای کاربرد عملی هستند، فاصله دارد. از این گذشته مباحثات هنوز ناکافیست و از محدوده تعدادی سمینار و چند شماره نشریه فراتر نرفته‌اند. هنوز مباحثات نظرآتمان را به اکثر رفقای خود و فعالین این جنبش بویژه در داخل کشور نرسانده‌ایم، تا چه رسد به اینکه در این رابطه به یک نهضت فکری و پایه‌ای در میان محافل روشنفکری و کارگران پیشرو دامن زده باشیم. ما هنوز سازماندهی جدی

تبصره: افراد حداقل امکان دارای صلاحیت بوده و داوطلب عهده‌داری وظایف و مسؤولیت محوله می‌باشند.

۲) شورای مرکزی به منظور پیشبرد وظایف خود به ایجاد گروه‌های کاری اقدام می‌کند. ۱- گروه کاری داخل کشور ۲- گروه کاری خارج کشور ۳- کمیسیون مالی ۴- کمیسیون تبلیغات و انتشارات ۵- کمیته امنیتی و مسوایل تکنیک

تبصره: گروه‌های کاری متناسب با وظایف‌شان از میان شرکت‌کنندگان در جلسه افرادی را بعنوان مشاور و یا همکار در زمینه‌های مورد نیاز انتخاب می‌کنند.

۳) شورای مرکزی برای تمرکز و هماهنگی فعالیت‌های گروه‌های کاری (که حداقل امکان بصورت تخصصی و مستقل سازماندهی می‌شوند) کمیته اجرایی و یا دبیرخانه شورای مرکزی را انتخاب می‌کند.

وظایف:

شورای مرکزی در مجموع مسؤولیت انجام وظایف تعیین شده در نشست را تا نشست آتی برعهده دارد و هر شش ماه یکبار اجلاس خود را برگزار می‌کند.

گروه‌های کاری داخل: شناسایی و بررسی امکانات و محدودیت‌های انتقال بخشی از وظایف آتی به داخل، سازماندهی امکانات و ارسال نوشته‌ها و مباحثات و توزیع آن در محافل کارگران پیشرو و مجامع کمونیستی را برعهده دارد.

گروه کاری خارج کشور: سازماندهی حوزه‌های شهری و کشوری، تماس با رفقا و کادرها در کشورهای مختلف رساندن نشریات و مباحثات بدست آنها و متقابلاً تأمین رابطه و مناسبات نزدیک‌تر و بسیج عمومی برای شرکت در مباحثات و نشست آتی و ترجمه آثار و...

کمیسیون مالی: سازماندهی فعالیت‌های انتفاعی، جمع‌آوری کمک مالی، تخصیص بودجه و...

کمیسیون تبلیغات و انتشارات: انتشار نشریه و سایر انتشارات را عهده‌دار شده و در بهبود کیفیت انتشارات و تبلیغ خواهد کوشید. سازماندهی سمینارها و اعزام کادر برای ترویج، برگزاری سخنرانی و جلسات بحث از جمله وظایف آن است.

تصمیم‌گیری نیروهای وسیعتری را محفوظ می‌دارد. بویژه از درغلطیدن به پراگماتیسم و دنباله‌روی جلوگیری می‌کند. به هر حال عمده وظایف باید ناظر بر گسترش مباحث و رساندن آن به داخل و سایر کشورها، تأمین مشارکت رفقا و فعالین جنبش و کادرهای سازمان در این روند، برگزاری جلسات بحث، سمینارها، سخنرانیها و غیره متمرکز گردد. اما چارچوب اساسنامه‌ای و سازماندهی ناظر بر

شرایط فعلی چیست؟

بحث اساسنامه و سبک‌کار در نشریه به پیش و جلسات علنی جاریست. روشن است که ما در تنظیم مناسبات درونی و سازماندهی و تقسیم‌کار متناسب با وظایفمان هم باید انحرافات و خطاهای گذشته را مدنظر قرار دهیم و بجای تنظیم اساسنامه‌های بوروکراتیک و بظاهر شسته‌رفته اما فاقد جنبه عملی به تدوین آنچنان چارچوبی مبادرت کنیم که ترجمان واقعی شرایط فعلی و سطح فعالیت‌های ما باشد. ما در هیچ موردی از فعالیت‌ها و تصمیم‌گیریهامان نباید اجازه دهیم تا توهم‌پراکنی‌ها و فیل‌هوا کردن‌های مرسوم سربلند کند. احتراز از پراگماتیسم و ذهنی‌گرایی می‌تواند در جهت یافتن راه‌های اصولی به ما کمک کند. آنچه که هستیم و وظایفی که قادر به انجامش هستیم را مد نظر قرار دهیم نه آنچه که موجودیت واقعی ندارد و تنها اهداف و آرزوهایی است که باید به آنها رسید. تردیدی نیست که برای آینده تلاش می‌کنیم. برای یک حزب طبقاتی توده‌ای و... معهدا آن اساسنامه و سازماندهی‌ای که باید ناظر بر شرایط فعلی باشد با یک اساسنامه حزبی و توده‌ای و تمام‌عیار تفاوت‌های زیادی دارد. در این رابطه ما باید نسبت به انحرافات گذشته از قبیل ذهنی‌گرایی، اکلکتویتیسم، بوروکراتیسم و... حساسیت بیشتری نشان دهیم. بر این اساس پیشنهاد می‌کنم در نشست آتی برای انجام وظایف محوله و تنظیم مناسبات در این مرحله به سازماندهی و تقسیم‌کار زیر اکتفا شود:

۱) نشست از میان خود حداقل تعدادی را بعنوان شورای مرکزی انتخاب می‌نماید. که این تعداد حداقل امکان از ۲۰ نفر بیشتر نباشد.

طرح پیشنهادی برای نشست آتی...

کمیته امنیتی و مسایل تکنیکی: وظیفه مبارزه با شبکه‌های جاسوسی و ترور رژیم، تأمین امنیت نشست‌ها، تهیه امکانات تکنیکی برای داخل و... را عهده‌دار خواهد بود.

توضیح اینکه: اگرچه کل تصمیمات نشست در این مرحله حالت موقتی خواهد داشت، اما برای تداوم فعالیتها و برای یک کار پرحوصله و طولانی مدت حوزه‌های تخصصی و نسبتاً ثابت ضرورت دارد. برخی از ساختارها (بجز ارگانهای رهبری) می‌باید متداوماً حفظ شوند. (پیرامون این شکل از سازماندهی و سبک کار که متناظر با نقداصولی سازماندهی و سبک کار گذشته است، مباحث لازم در شماره‌های آتی بولتن ارائه خواهد شد.

بقیه از صفحه ۲۲

ضرورت وجودی مرکز آژانس خبری بین‌المللی

می‌تواند در جهت مبارزه مشترکمان قدمی به جلو باشد، هم بشود. پیشنهادات خود را در باره هرچه بارورتر کردن این پروژه برای ما ارسال کنید. این کانال ارتباطی همچنین می‌تواند محل تقاطع هر موضوعی باشد که دهه‌ساعت ائتلاف وقت و اعصاب و پول و انرژی و امکانات را از طریق آن صرفه‌جویی کرد.

شما را به جدی بودن این آژانس

سوسیالیستی رجوع می‌دهیم.

و اما در اصطلاح معموله که امیدواریم معمولی تلقی نشود، دست صمیمی و همکاری تک‌تک شمایی که این مطلب را می‌خوانید و یا از محتوای آن مطلع می‌شوید را به گرمی هرچه تمامتر می‌فشاریم.

از طریق تماس با شبکه اطلاعاتی ما در اینترنت می‌توانید از اهم اخبار ایران مطلع شوید، با جنبش‌های انقلابی و کمونیستی در کشورهای دیگر تماس بگیرید، از آرشیو آثار کلاسیک کمونیستی به زبان انگلیسی استفاده کنید، و نیز می‌توانید تحلیلها، جزوات و از مباحثاتی که در آرشیو ما در شبکه اینترنت موجود است، بهره‌مند شوید.

آدرس ما:

<http://www.Fedayi.se>

می‌باشد.

رفقا! برای تداوم انتشار بولتن و انجام تعهداتمان به

کمک‌های مالی شما نیاز مندیم. کمک‌های خودتان را

می‌توانید از طریق حساب پستی Postgiro به حساب

۸-۴۰۸۲۶۵۸ Fedayi Pg. در سوئد واریز نمایید

کمک‌های مالی رسیده:

سوئد ۱۰۰ کرون سوئد	سوئد ۱۰۰ کرون سوئد
رویا ۳۰۰ مارک آلمان	پویان ۱۵۰ کرون سوئد
سوئد ۱۰۰ کرون سوئد	به پیش ۵۰ مارک فنلاند
نیلوفر ۱۵۰ مارک آلمان	محمود محمودی ۳۰ فرانک
آیدین ۱۵۰ کرون سوئد	آزادی ۸۰۰۰ لیر ایتالیا
آرش ۱۵۰ کرون سوئد	مارتیک فازاریان ۱۰۰ کرون
آزادی ۱۰۰ کرون دانمارک	تینا ۱۰۰ کرون سوئد

اطلاعیه!

از همه رفقای که امکان دسترسی به شبکه اینترنت را دارند - بویژه رفقای داخل کشور - انتظار داریم تا ضمن شرکت فعال در مباحثات ارائه شده در تکثیر و توزیع آن بکوشند و مطالب و مباحث ما را در اختیار محافل کارگران پیشرو و روشنفکران قرار دهند. شبکه اینترنت یکی از کانالهایی است که از طریق آن می‌توانید با ما تماس بگیرید و یا از طریق آن اخبار مربوط به جنبش انقلابی و کمونیستی ایران را در اختیار سایر رزمندگان راه آزادی و سوسیالیسم قرار دهید.

خلاصه نشست بخشی از نیروهایی که برای نوسازی و وحدت جنبش کمونیستی می‌کوشند

نشست با شرکت رفیق یدی، رفقای نماینده شورای کار-سوسوئد، پویندگان راه اتحاد برای آزادی، فعالین سچفخا- خارج کشور، نمایندگان از «کمیته هماهنگی برگزاری نشست وسیع» در اسکاندیناوی و نیز رفقای منفرد طیف اقلیت فعال در اتحاد چپ کارگری در سوئد و دانمارک تشکیل شد.

بحث پیرامون به پیش، و سازماندهی نشست وسیع نیروهای طیف اقلیت.

ابتدا گزارش مختصری از سوی یکی از اعضای کمیته هماهنگی در اینباره ارائه شد و سپس بحثی در رابطه با چشم‌انداز و انگیزه‌های این حرکت آغاز شد. در این رابطه تأکید شد که هدف از این حرکت به هیچ وجه بازسازی سازمان فدایی و برقراری مجدد مناسبات گذشته نیست، بلکه هدف نوسازی جنبش کمونیستی و سازمانیابی و سازماندهی نیروهای آن است که در مرحله اول از نیروهای انتقادی-انقلابی طیف اقلیت شروع می‌شود.

با توجه به این امر رفقای شرکت‌کننده در نشست، این روند را مثبت ارزیابی کرده و آمادگی خود را برای همکاری در به ثمر رساندن آن اعلام کردند.

در این رابطه برای آنکه پروسه از یک دینامیسم انقلابی و پویا و یک شالوده محکم برخوردار شود، قرار شد از یکسو بحثهای نظری فعالانه‌تر سازماندهی شود و از سوی دیگر فعالیتهای عملی‌ای برای تقویت پروسه همگرایی آغاز شود. زمینه‌های عملی‌ای که فعالیت مشترک برای پیشبرد آنها امکانپذیر هستند به شکل زیر مورد بحث و توافق قرار گرفت.

• پخش متقابل نظرات. توافق به عمل آمد که امکاناتی برای تسهیل انتشار نظرات و نشریات نیروهای شرکت‌کننده بعمل آید.

• ایجاد مرکزی برای انتشار اخبار. قرار شد کمیته هماهنگی امکاناتی را برای ایجاد یک مرکز خبری در شبکه اینترنت بوجود آورد. همچنین قرار شد وجود این امکانات در شماره بعدی بولتن اعلام شود.

• درباره چگونگی ارتباط رفقای «شورای کار» و «پویندگان...» قرار شد نمایندگان شرکت‌کننده در نشست پس از تماس و مشورت با رفقای خود ارتباطشان را با کمیته هماهنگی تعیین کنند.

گزارشی از...

سگهای خود، بسوی تظاهرکنندگان حمله‌ور شد. حزب‌الله احساس نیرو نمود و از داخل سالون، در حمایت پلیس در برابر معترضین قرار گرفت.

برای رژیم جنایت‌پیشه، این یک شکست بود. و برای توده‌های زیر ستم یک پیروزی، و نویدبخش پیروزی فردا. مزدوران شکست‌خورده‌ی رژیم، در پناه پلیس، رهنمود یافته بودند که در ایستگاه زیرزمینی قطار، با دور شدن نیروهای معترض، به افراد پراکنده حمله‌ور شوند. آنان درحالیکه به دشنه، چاقو، چوب و چماق و دیگر سلاح‌ها مجهز بودند، با کوبیدن به شیشه واگن‌ها، در برابر چشمان حیرت‌زده شهروندان سوئدی، ماهیت تروریستی خود را نشان دادند. تروریسم لگام‌گسیخته و درلتی رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر در آستانه فاجعه‌آفرینی بود، اما با هوشیاری رفقای سازمانده و نیروهای شرکت‌کننده خنثی گردید. ما با حضور فعال و همبسته و با هوشیاری خود از برگزاری سالروز جنایت‌کارترین خونخوار روی زمین جلوگیری نمودیم و نشان دادیم که رژیم جمهوری اسلامی در برابر اتحاد ما ناتوان و مغفور راهی جز تسلیم ندارد.

شورای کار در سوئد و پویندگان راه اتحاد برای آزادی، به سهم خویش بات شرکت در سازماندهی و برگزاری این تظاهرات در کنار دیگر سازماندهندگان و نیروهای شرکت‌کننده به تهیه این فیلم پرداخت. ما با تهیه و تنظیم این فیلم مستند، برآنیم که با ثبت چهره‌های مغفور تروریست‌های رژیم، عوامل علنی و مخفی رژیم را به پناهندگان و مهاجرین بشناسانیم. لانه‌های جاسوسی و تروریستی رژیم، پایگاه چنین آدمکشانی است. این عوامل باید شناسایی و افشا شوند.

شورای کار سوئد - ۳۱ می ۱۹۹۶

گزارشی از آکسیون اعتراضی علیه فعالیتهای سفارت رژیم جمهوری اسلامی در استکهلم

رژیم جمهوری اسلامی، در پی تهاجم تروریستی خود در خارج از کشور مدت هاست که به تهاجم فرهنگی دست زده است. رژیم در سوئد از چند سال پیش زیر نام انجمن اسلامی، محلی به نام مسجد علی ایی طالب باز گشود. در این مرکز در استکهلم، زیر پوشش دفتر ازدواج و تلافی و واسطگی سفارت به برگزاری مراسم مذهبی پرداخته و آن محل را به مرکزی جهت گرده آمدن حزب الله تبدیل نموده است. سال گذشته تلاش رژیم برای گشودن مرکزی به نام مدرسه سلمان، با هوشیاری نیروهای چپ خشی گردید. اما، رژیم از پای نشست و در محلی در جنوب استکهلم روزهای چهارشنبه به برگزاری دعای کمیل و ندبه و غیره پرداخت. در همین مراکز بود که به برگزاری مراسم عاشورا و تاسوعا در استکهلم در محلی به نام Ragsved، بار دیگر تلاش نمود بار دیگر به طور علنی به میدان آمده و شانس خود را بیازماید. سفارت رژیم، به مناسبت سالروز مرگ خمینی، پوستری به سه زبان سونسی، فارسی و عربی همراه با عکس خامنه‌ای، هوادارن خود را برای شرکت در این مراسم در روز دو ژوئن و (۱۵ خرداد)، فراخوانده بود.

این پوستر به دست نیروهای سیاسی افتاد و در تماس با یکی از رادیوهای محلی استکهلم، در روز جمعه ۳۱ ماه می خواسته شد که علیه تهاجم رژیم در خارج از کشور اعتراضی صورت گیرد.

صبح روز شنبه اول ژوئن، چند تن چپ و جنبش کمونیستی، در تماس با یکدیگر و با سایر نیروها برای مقابله با نقشه رژیم به تلاش افتادند. روز یک شنبه یک از افراد فعال در این تلاش به استودیوی یکی از رادیوهای محلی رفته و خبر آکسیون اعتراضی و محل برگزاری را مستقیماً به گردانندگان رادیو تحویل داد. با توجه به آنکه شایعه لغو مراسم رژیم پخش شده بود، افراد زیادی در میدان مرکزی شهر گرد آمدند و به سوی محل برگزاری حرکت کردند. پیش از حرکت، گرچه فرصت چندانی نبود، اما با حضور نیروهای سیاسی، سازماندهی ضروری به عمل آمد.

در ساعت ۵ بعد ظهر بیش از دویست نفر شرکت کننده در برابر محل برگزاری صف کشیده بودند. رژیم آخرین تلاش خود را برای حضور به کار گرفته بود. رژیم برآن بود که به هربهای مراسم سالروز مرگ خمینی را با شرکت عوامل تروریست و حزب الله دیگر کشورها برپا داشته و نشان دهد که می تواند و گستاخانه در قلب اروپا همانند ایران قادر به حرکاتی است. رژیم بر آنست که در سوئد نیز همانند برخی کشورها دامنه حضور علنی را گسترده ساخته و به فعالیت های خود جنبه قانونی و عادی بخشد و به عنوان رژیمی عادی، تثبیت یافته و بی معترض، جلوه گر شود.

برای ما مهم بود که این بار نیز اجازه چنین حضور و به میدان آمدنی را به رژیم ندهیم. محل ورود عوامل حزب الله به دو صف پلیس نگهبانی می شد. مزدوران حزب الله سیاهپوشان، بی خبر از همه جا، با مشاهده حضور مردم خشمگین، وحشت زده در محافظت پلیس به داخل محل راند می شدند.

سفارت، مزدوران مسلحی را برای مراقبت از محل و حمله به نیروهای معترض از پیش بسیج نموده بود. همانگونه که در این فیلم مشاهده می کنید، چند تن از تروریست های مسلح رژیم و به خوبی شناخته شده اند، رژیم تا مرز درگیری و کشتار نیروهای معترض خود را آماده نموده بود.

در ساعت ۵، در برابر محل برگزاری، نمایش اعتراضی نیروهای مخالف رژیم، با حضور بیش از دویست نفر آغاز شد. شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، سفارت، مرکز ترور را ببندید، حزب الهی ها را بیرون بیاندازید، و... توجه بسیاری از رهگنران را به خود جلب نموده بود، نیروهای حزب الله خشمگین از ناتوانی خویش، ناچار شدند که پس از دو ساعت تلاش، مراسم خود را انجام نایافته، تعطیل کنند.

نیروهای معترض با خواندن سرودهای انقلابی از قبیل، بهاران خجسته باد، زندانی، و... با روحیه‌ای شاد بار دیگر نقشه وزارت اطلاعات و سفارت رژیم را خشی نموده و همچنان در محاصره پلیس، مانع برگزاری مراسم گردیده بودند. ناگهان نزدیک به ساعت ۷ غروب بود که اتومبیل رنوی آخرین مدل مزدوران در برابر تظاهر کنندگان ایستاد. پلیس در را گشود و زنی حزب الهی در حالیکه پیاده می شد، کفشهای خود را بیرون آورده و به سوی تظاهر کنندگان پرتاب نمود. پلیس ضد شورش به همراه

هدف از انتشار بولتن

آخرین نشست بخشی از نیروهای سازمان («اقلیت»)، انتشار بولتن مباحثات ایدئولوژیک را به منظور قرار گرفتن بخش وسیعتری از نیروهای سازمان و جنبش کمونیستی در جریان فعالیت‌ها، مباحثات و نقطه نظرات تاکتونی این طیف، نظر بخشیدن به مبارزه ایدئولوژیک و گسترش مباحثات جدید، جهت تقویت همگرایی نظری را در دستور قرار داد

بولتنهای منتشره مواضع ما در محورهای اساسی انقلاب ایران، همچون نقد گذشته در تمامی وجوه فعالیت آن، ساخت اقتصادی-اجتماعی ایران، مسایل مربوط به انقلاب سوسیالیستی، انترناسیونالیسم پرولتری، آلترناتیو آینده، امر اتحادهای طبقاتی، استراتژی، تاکتیک، مسایل سازماندهی در داخل و سبک کار، برنامه و اساسنامه و سایر مسایل مربوط به جنبش کمونیستی را به بحث خواهد گذاشت تا چارچوبهای وحدت نظری گرایش انتقادی و کمونیستی مشخص و اختلافات تصریح شود.

ما با انتشار این بولتنها مباحث نظری آنرا در معرض داوری عموم فعالین جنبش کمونیستی و همه رفقای سازمان قرار داده و امیدواریم با مداخله خلاق و فعال همه رفقا، این مباحثات از دامنه و عمق بیشتری برخوردار گردند.

توضیح:

از آنجاییکه گرایش مارکسیستی و انتقادی و رادیکال درون چپ گرایشی نیست که امروز و فی‌البداهه توسط عده‌ای اختراع شده باشد و پیشگامان این گرایش در موقعیت‌های مختلف اینجا و آنجا در جهت نقد انحرافات و ضعف‌های گذشته و پالایش جنبش کمونیستی به سهم خود کوشش کرده‌اند، و از آنجاییکه تاکنون اسناد، مقالات و مباحث زیادی در رابطه با بحران و مسایل جنبش کمونیستی (بویژه سازمان «اقلیت») از طرف رفقای دیگر به رشته تحریر درآمده و نظر به اینکه این اسناد بعضاً منتشر نشده و یا در سطح محدودی منتشر شده‌اند و یا در موقعیتی منتشر شده‌اند که با توجه به فضای حاکم بر جنبش و سازمانهای سیاسی انعکاس کافی نداشته و یا تداوم پیدا نکرده‌اند و بتدریج به بایگانی سپرده شده‌اند، تصمیم گرفته شد تا در هر شماره بولتن صفحاتی را به درج اینگونه اسناد و مقالات - که بیشک در غنای مباحثات به ما یاری

مقالاتی که برای بولتن ارسال می‌شوند باید دارای امضا و تاریخ باشند.

مقالات حتی المقدور باید تایپ شده باشند. اگر از نرم افزارهای کامپیوتری: «واژه‌نگار، الکتاب، سیستم A، ویندوز فارسی نسخه صابریان، ویندوز فارسی نسخه نگارستان، ویندوز فارسی نسخه سینا، یونیورسال ورد (Universal Word) و یا الکتاب فارسی و یا سیستم فارسی ۷/۱ مکینتاش، برای تایپ مقالات استفاده می‌کنید، می‌توانید یک کپی از فایل محتوی مقاله را برای ما ارسال کنید. در غیر اینصورت مقالات را روی کساعتد A4 و در سبظور ۱۱ سسانتی و بسا اندازه معمولی (۲۰ پوینت) تایپ کرده و برای ما ارسال کنید.

چنانچه امکان تایپ مقالات وجود ندارد، مقالات خود را با خط خوانا روی کاغذ خط‌دار و با فاصله مناسب بنویسید و برای ما ارسال کنید.

تماس با کمیته هماهنگی منتخب نشست از طریق آدرسها و شماره فاکس زیر میسر است.

آدرس اینترنت:

<http://www.Fedayi.se>

آدرس پست الکترونیکی:

ircmove@algonet.se

فاکس: ۹۲۰۳۴۰ - ۴۰ (۰) - ۴۶ (+)

آدرس: سوئد

Fedayi
Box 19099
S-200 73 Malmo / Sweden

آلمان

Fedayi
Postlagerkarte nr> 100965c
37030 Gottingen / Germany

اختصاص دهیم. از همه رفقا انتظار داریم در این رابطه اگر اسناد، مقالات، و یا بحث جدیدی را در اختیار دارند و فکر می‌کنند می‌تواند در روشنایی بخشیدن به زوایای تاریک تاریخ جنبش کمونیستی و چپ ایران و از جمله سازمان و به غنای بحث‌ها و انسجام و وحدت جنبش کمونیستی یاری رساند، این مقالات و اسناد را برای بولتن ارسال کنند.

از رفقای که مقالاتشان در بولتن درج می‌شود، در صورتیکه بنا به دلایلی در گذشته ناقص و یا ناتمام مانده، تقاضا می‌کنیم ادامه آنرا برای درج در شماره‌های بعدی ارسال دارند. مقالاتی که نام و امضا و تاریخ داشته باشند، عیناً در زیر آنها قید خواهد شد.

